



سال دوم نیمه اول مهرماه ۱۳۶۷

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

## آخرین اخبار زندانها

تهران

اعتصاب غذای زندانیان و تحصن

خانواده‌های زندانیان سیاسی  
دربی صدور فتوای جنایتکارانه قاضی القضاة رژیم  
سفاک دائر بر اعنام بدون محاکمه زندانیان سیاسی، موج  
جدیدی از اعدامهای دسته جمعی و اعمال سنگین ترین  
فشارها بر زندانیان سیاسی آغاز گردیده است. بر طبق  
اخبار دریافتی از نیمه اول مرداد ماه بدنبال یکرشته  
اعدامهای گسترده گروهی از زندان اوین و تشدید آزار  
زندانیان درگیرهای شدیدی در زندان بوقوع پیوسته است  
با گسترش اعدامهای دسته جمعی و انتشار خیر در میان  
زندانیان، اسرای قهرمان زندان اوین بار دیگر از نیمه  
مرداد ماه اقدام به برپائی اعتصاب غذای پرشکوهی نموده  
اند که دستکم تا دو هفته ادامه داشته است. جلادان  
رژیم اسلامی در هراس از انعکاس مبارزات پهلوانانه  
زندانیان سیاسی و تصمیم آن به سایر زندانها بلافاصله  
ملاقات کلیه زندانیان را قطع نمودند. اما خانواده‌های  
زندانیان که بویژه با تشدید سرکوب وحشیانه رژیم ققیا  
مدتی است از سرنوشت عزیزان دربندشان بی اطلاعند  
در طی واپسین روزهای مرداد ماه پیوسته در جلوی  
مراکز مربوطه تجمع نموده و ضمن اعتراض به قطع ملاقات  
با عزیزانشان خواستار لغو ممنوعیت ملاقاتها می  
شوند. خانواده‌های قهرمان زندانیان سیاسی از روز  
چهارشنبه ۲۶ مرداد ماه اعتراض یکجارچه خود را با  
تحصن در جلوی درب دانشگاه تهران آغاز میکنند. در  
بقیه در صفحه ۲



تکایه

## حمایت بین المللی

بمنفع زندانیان سیاسی و

پناهندگان را فعالتر کنیم

افکار عمومی بشریت مترقی و موضعگیری سازمانها  
و احزاب سیاسی کشورهای جهان و مجامع بین المللی  
علیه اختناق و سرکوب در این یا آن کشور نقش مهمی  
در محدود کردن دست و بال حکومت‌های سرکوبگر دارد.  
معادلات سیاسی و ارتباطات بین المللی جهان معاصر  
بگونه‌ای است که حتی ملزومی ترین دولتها نمیتوانند  
نسبت به افکار عمومی بین المللی بی‌اعتنا بمانند. تاثیر این  
عامل در حیات و شیوه برخورد دیکتاتوری های سرکوبگر  
و فاشیستی در موضع ضعف و نیاز آنها به بسط رابطه  
با دیگران، تشدید میگردد. نقش پراهمیت افکار عمومی را  
حتی در مورد جمهوری اسلامی شاهد بودیم، زمانیکه  
نسبت به محکومیت‌های مکرر خود از جانب سازمان ملل  
در مورد نقض حقوق بشر در ایران بخشم می‌آمد و هذبان  
میگفت.

اما اکنون که رژیم فقها به سیاست گسترش رابطه  
با کشورهای امپریالیستی و خروج از انزوای بین المللی  
روی آورده است و در صدد آنست که از این طریق  
برضعف خود غلبه کرده و با کسب اقتدار لازم، موقعیت  
خود را تثبیت نماید، بیش از هر وقت دیگری به فشار  
افکار عمومی بین المللی حساسیت دارد.

بقیه در صفحه ۲

## گزارشی از نظرات مردم در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸

در صفحه ۴ بخش دوم

### مقدمه بررسی جنبش دانشجویی

در خارج از کشور

در صفحه ۶

### سازمان مجاهدین خلق

بن بست استراتژیک

یک الکتروناتیو ارتجاعی

در صفحه ۵

### مصاحبه با فرگس وفادار

در صفحه ۱۵

### طرحهای معتدل برای

انقلاب فلسطین

در صفحه ۷

### زندگی و مبارزات پناهندگان

اعتراضات گسترده مهاجرین ایرانی علیه

استرداد پناهندگان توسط دولت ترکیه

هامبورگ - آلمان فدرال

تظاهرات ایستاده علیه استرداد ایرانیان

سوسیال دمکراسی سوئد

پناهندگان ایرانی را برمیکرداند

در صفحه ۱۲

سوئد - استکهلم در صفحه ۱۳

اعتراض علیه استرداد پناهندگان

### سال تحصیلی جدید

سال آوارگی دانش آموزان

سال تحصیلی جدید فرامی‌رسد، سالی دیگر با  
سعی بیشتر جمهوری اسلامی در گره زدن مذهب با تارو  
بود وجود دانش آموزان. سالی دیگر با شعار اسلامی‌تر  
کردن مدارس آغاز میشود. سالی چون سالیهای قبل.  
سانسور، تقطیع نقایذ، کتیمی، تاریک اندیشی، معلمین  
امور تربیتی و انجمنهای اسلامی، شششوی مغزی و...  
جمهوری اسلامی همان هست که بود. رژیم مخالف هر  
گونه دانش و فرهنگ، رژیمی خرافانپرست و دشمن علم و  
دانش و براین اساسی مخالف هرگونه و هرشکلی از  
تحصیل. اگر ناقل از اعلام آتش بی رژیم برای بسج  
دانش آموزان جهت کسب بد جبهها طرح "پاسدار دانش  
آموز" ایجاد میکرد و "سازمان رژیم مدارس" تشکیل  
بقیه در صفحه ۲

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

## حمایت بین المللی

## بمنفع زندانیان سیاسی و پناهندگان را فعالیت کنیم

اگر فقها برای دستیابی به اهداف خود به دولتهای امپریالیستی چشم دوختند، ما هم برای مقابله با سیاست آنها برای فعال کردن عوامل بین المللی به نفع جنبش انقلابی و دمکراسی در ایران، می باید بیش از گذشته بافکار عمومی و احزاب و گروهبندیهای سیاسی پیشرو این کشورها تکیه نماییم، بویژه آنکه در این زمان دول امپریالیستی بدلیل سیاست جدید فقها و پیداشدن اتفاقی مثبت برای خود، ریاکارانه به بزرگکردن چهره کریه آنها مشغولند و با تبلیغ در مورد تغییر اوضاع در ایران توسط جناح باصطلاح «معتدل»، افکار عمومی را جهت کک کسرتده به رژیم اسلامی آماده می کنند، وظیفه ما علیه این توطئه نیز روشن میشود. ما باید نشان دهیم که چگونه رژیم فقها با بهرهگیری از این موقعیت، سرکوب مخالفین را شدت داده و در راس همه جنایات خود گروه گرویزندانیان سیاسی را اعلام میکند تا از پارهشدن زنجیر اختناق جلوگیری کند.

در این شرایط فعالیت علیه اختناق در ایران و بمنفع زندانیان سیاسی مسئلهای است که بیش از هر زمان حساسیت و همدلی مردم و نیروهای مورد نظر را برمی انگیزد. اگر دولتهای امپریالیستی در کمال آرامش وجدان و با خوشحالی و شغف به اقدامات جنایتکارانه رژیم اسلامی علیه زندانیان سیاسی برخورد میکنند و با پهن شدن سفره «بازسازی» اشتهاشان تحریک شده و با پدیدارشدن چشم اندازهای نوین غارت و بهره برداری بیشتر از بازار پرامکان کشور ۵۰ میلیونی و استراتژیک ایران، بادم خود گردو می شکنند، اما فراوانند مردم و نیروهای پیشروی که از شنیدن خبر اعدامها و سخت تر شدن شرایط زندانها به تکان می آیند. افشاکاری و دادن آگاهی در مورد نقشی نقش گسترش همکاری و ارتباطات دول امپریالیست با حکومت فقها

درجات و تقویت دیکتاتوری سیاهمنه، مردم را بیش از پیش آماده اقدامات علی علیه این وضع میکند. اقداماتی که می تواند در شرائط کنونی تأثیرات مهمی در وضعیت زندانیان سیاسی ایران داشته باشد. مهمترین و علی ترین اقدامی که میشود از طریق همکاری و مبارزه مشترک با نیروهای خارجی انجام داد، درخواست اعزام هیاتهای رسمی از مراجع بین المللی مانند صلیب سرخ و یا مجمع جهانی حقوق بشر و وکلا و حقوقدانان برای بازدید از زندانهای ایران است. برای پی گرفتن چنین شعاری، به تشکیل کمیته های مخصوصی جهت پیشبرد آن نیاز است. این کمیتهها بعلمت در دستور قرار دادن يك هدف مشخصی که امکان تحقق دارد و آسانی می تواند شکل گرفته و نیروهای موثری را بخود جلب نمایند. خصوصا اینکه نحوه پیشبرد این شعار و جایگاه آن میان نیروهای مترقی کشورهای مختلف، از سابقه طولانی و شناخته شدگی کافی نیز برخوردار است. البته پیشبرد این شعار نه تنها نافی مبارزه برای شعارهای اساسی آزادی زندانیان سیاسی و قطع اعدام و شکنجه نیست، بلکه در رابطه با همکاری و مبارزه مشترک با نیروهای کشورهای دیگر حول این خواستهها، بعنوان يك پیش درآمد مهم تلقی میشود. پیش درآمدی که راه پیگیری شعارهای دیگر را، که نیاز به کار طولانی مدت دارد میکشاید. و از طرف دیگر در شرایط حاد کنونی به نیاز عاجل مقابله با توطئه فقها پاسخ میگوید.

مسئله دیگری که در موقعیت کنونی و به دنبال سیاستهای فقها حادث گردیده و نیازمند حمایت وسیع بین المللی است، وضعیت پناهندگان و مهاجرین ایرانی در کشورهای مختلف است. مطابق گزارشات متعدد از کشورهای اروپایی روند فشار روی ایرانیان متقاضی

پناهندگی بعد از پذیرش آتش بس توسط فقها شدت گرفته است. این کشورها به بهانه پایان یافتن جنگ علت اصلی پناهندگی ایرانیان، یعنی اختناق و سرکوب در ایران را تعددنا نادید میگیرند. و علاوه بر رد تقاضای پناهندگی مقدمات استسرناد آنان به ایران را فراهم میکنند. این واقعیتی است که کشورهای مختلف، علاوه بر مستمسک قرار دادن وضعیت آتش بس برای پیش بردن سیاست های ضدپناهندگی خود، قصد لیبیک به خواست رژیم اسلامی برای فشار بر ایزیسین ایرانی و لاجرم بر پناهندگان و مهاجرین سیاسی را دارند. این وضعیت خصوصا در مورد کشورهایی مانند ترکیه و پاکستان که تعدد وسیعی از هموطنان ما بصورت غیرقانونی و بلا تکلیف در آنها بسر میبرند بنحو خطرناکی مطرح است. اگرچه کشورهای باصطلاح متعین مانند سوئد نیز قصد دارند در این مورد گوی سبقت را از امثال ترکیه بریابند. لذا توجه اکید به این امر و طرح يك مبارزه مشترک با نیروهای مترقی کشورهای میزبان جهت مقابله با این سیاستها، بیش از هر زمان ضرورت دارد. افتشام گری در مورد مضمون رابطه با جمهوری اسلامی و تبادل شرایط اختناق در ایران به آمادگی افکار عمومی برای مقابله با این خطر کک میکند.

همانطور که ذکر گردید، سازمان دادن حمایت بین المللی از جنبش انقلابی و برای آزادی در ایران خصوصا در موقعیت کنونی از کارائی و اهمیت زیادی برخوردار است. وظیفه همه مهاجرین آزادیخواه است که در این مورد اقدام کنند و خصوصا اعضا و فعالین سازمان ما می باید با طرح و ارائه موضوعات مطرحه برای پیشبرد مبارزه مشترک با نیروهای کشورهای میزبان وظائف اخص خود را علی نمایند.

## آخرین اخبار زندانها

این روز خانوادهها پس از چند ساعت تحمّن و بواسطه عدم رسیدگی مسئولین دادگستری نسبت به درخواستهایشان یکبار دیگر از گروههای هر چه بیشتری از خانوادههای زندانیان سیاسی دعوت میکنند که روز بعد نیز به تحمّن اعتراضی خود ادامه دهند.

روز بعد پنجشنبه ۲۷ مرداد ماه از ساعت ۸ صبح با حضور هر چه گستردهتر خانوادههای زندانیان سیاسی که جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ نفر بوده و تمامی محوطه درب دادگستری و اطراف آنرا پوشانده بودند این تحمّن پرشکوّه تداوم می یابد، همچنین در این روز طوماری که در آن تقاضای رسیدگی به خواستهای زندانیان سیاسی و لغو ممنوعیت ملاقاتها مطرح شده و با امضای صدها تن از خانوادههای زندانیان سیاسی مورد تاکید قرار گرفته بود، تهیه شده و در محوطه بیرونی دادگستری نصب میگردد. تلاش فداکارانه و مستمر خانواده های رنجدیده زندانیان که در طول روز با ورود به اتاقها و قسمتهای مختلف بیدادگاه رژیم اسلامی و طرح خواستهای خود میکوشیدند عوامل رژیم را تحت فشار قرار دهند با بی اعتنائی کارگزاران این دستگاه عریض و طویل سرکوب مواجه گردیده و با پایان ساعت کار اناری روز پنجشنبه خانوادهها، ناگزیر به تحمّن خود در ساعت

در برقراری ملاقاتها را مطرح می نمودند پاسخ میدهند که هیچگونه بخشنامه و یا دستورالعملی در این زمینه دریافت نکردند و کماکان ملاقاتها قطع خواهند بود. همچنین یکی از مادران زندانی در برابر تسخره مسئولین جنایتکار زندان خطاب به آنان میگوید: "سخره کنید بالاخره نوبت ما هم خواهد رسید". کلام پرصلابت این مادر قهرمان را به مذاق مزدوران نادستانی خوش نیامده و بلافاصله عدای از مامورین بطرفش حمله ور شده و وی را بناخل زندان میبرند که هنوز از سرنوشتش اطلاعی در دست نیست. خانوادههای زندانیان که از صبح زود جلوی زندان گهردشت تجمع نموده و برای دست یافتن به کوچکترین خبری از وضعیت اسرای دربندشان مسافتهای طولانی و طاقت فرسا را طی کرده بودند تا ظهر این روز بخون آنکه موفق به دریافت ملاقات شوند خسته اما پرتحمل، سرگردان ولی پرتلاش، رنجدیده اما در کوره آلام بیگران آبدیده، غرولند کتان با تراکی انفجاری از خشم و نفرت محل زندان را ترک گفته و در اندیشه رهائی فرزندانشان گامهای خود را سنجیدهتر برمیدارند!

در جریان تحمّن روزهای ۲۷ و ۲۹ مرداد ماه يك نسخه از طومار اعتراضی خانوادههای زندانیان سیاسی که به امضای ۷۳۰ تن از اعضای این خانواده

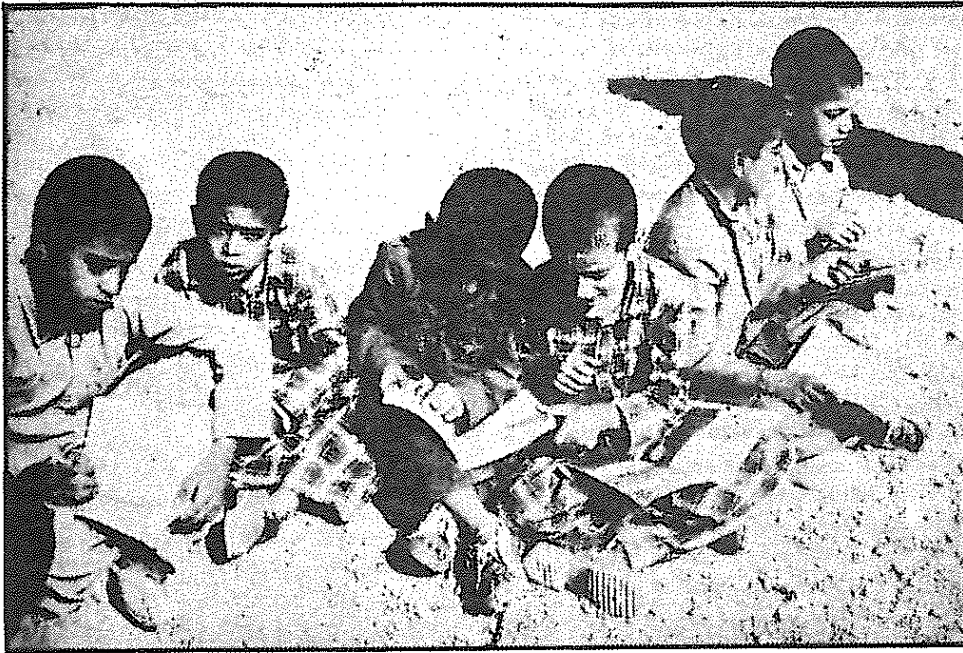
۱۱ خاتمه داده و یکبار دیگر از کلیه خویشاوندان زندانیان سیاسی دعوت میکنند که تحمّن اعتراضی خود را تا حصول به خواستههایشان از روز شنبه ۲۹ مرداد ماه مجددا از سرگیرند.

از ساعت ۸ صبح روز شنبه ۲۹ مرداد ماه باردیگر محوطه جلوی درب دادگستری و اطراف آن از جمعیت نگران خانوادههای زندانیان سیاسی که خواستار ملاقات با جگرکوشگان اسیرشان بودند انباشته میشود. گروهی از خانوادهها به نمایندگی از جانب سایر متحمّنین به داخل دادگستری میروند و پس از ساعتی سرانجام بجنوردی عضو شورایعالی قضائی در جمع متحمّنین حاضر شده و خطاب به خانوادهها میگوید که از يك تا دو هفته دیگر ملاقات زندانیان گهردشت برقرار خواهد گردید ولی کماکان ملاقات با زندانیان اوین تا اطلاع ثانوی ممنوع خواهد بود. پس از دریافت این خبر بسیاری از خانوادهها در عین حالیکه همچنان مضطرب و خشمگین بودند به تحمّن سه روزه خود خاتمه می بخشند.

روز سه شنبه ۸ شهریور ماه عده زیادی از خانوادهها بمنظور دیدار با عزیزان خود به زندان گهردشت مراجعه میکنند. اما با بی اعتنائی کامل مسئولین زندان مزبور مواجه میشوند. مسئولین زندان گهردشت در برابر اعتراضات خانوادهها که ادعای «بجنوردی»

ادامه از صفحه ۱

## سال تحصیلی جدید سال آوارگی دانش آموزان



مبنای تا بدین وسیله آنان را از مدرسه دور نگه ندارد. امسال نیز صد درصد طرحهای جدیدی از آستین خویش بدر خواهد آورد. و درست بر این اساس است که هر روز خبر تعطیل يك مدرسه را در نقطهای از کشور در روزنامهها شاهدیم. برای شش نمونه خوار: "مستان دولتی دخترانه" آیندهسازان " در منطقه ۷ آموزش و پرورش تهران توسط پلیس قضائی تخلیه شد. در این مدرسه ۳۰۰ دانش آموز تحصیل میکردند. مسئولان آموزش و پرورش منطقه در صحبت با روزنامه کیان اظهار داشته اند که "امکان تامین ساختمان جدیدی را ندارند. باید یکی دیگر از مدارس خودمان را چند نوبته بکنیم" و جالب اینجاست که طبق همین گفتهها "در این منطقه نزدیک به ۷۰ مدرسه استجاری داریم که حکم تخلیه تعدادی از آنها صادر شده است."

گرفت" (از نامه یکی از والدین دانش آموزان به کیان ۳ شهریور) و تازه بسیاری از مدارس "برای تامین بعضی مخارج تخت عنوان هزینه سرویس و ناهار مبلغ سنگینی (در حدود ۱۰ هزار تومان) از والدین دریافت میکند در صورتیکه نه سرویسها از نظم دقیق برخوردارند و نه غذا از کیفیت مطلوب" (منبع مذکور)

در کنار بسته شدن پشت سرهم مدارس دولتی، از تاسیس متوالی مدارس خصوصی نیز باید یاد کرد. امری که برطبق آن هرگونه امکان ادامه تحصیل برای فرزندان افراد کهنرآمد و کارگران و زحمتکشان سلب خواهد شد و فرزندان طبقات مرفه با طیب خاطر از امکانات رژیم و "دولت پابرهنگها" مستضعف پرور" استفاده خواهند کرد.

تهدید به نابودی علم و دانش تنها در سطح مدارس نیست. دیو جهل و نادانی چنگال تباهی خویش را برکل موسسات آموزشی انداخته است.

بستن مدارس را تشویق میکند. امری که از فردای انقلاب شروع شد. ابتدا اعلام کردند: کلاسهای که کمتر از ۱۶ نفر دانش آموز دارند تعطیل شود و بر طبق این بخشنامه هزاران کلاسی بخصوص در سطح روستاهای کشور تعطیل شد و بدینال آن تئیسیتی میان دانش آموز دختر و پسر را پیش کشید و با ایجاد نظام آموزشی ویژه دختران، با تمام نیرو آنان را در کج خانهها زندان نمود. در بسیاری از مدارس به روی دختران بسته شد و در این میان، در بحبوحه گرانی، تورم، بیکاری، فقر و فلاکت بیش از پیش کارگران و زحمتکشان، شهریه گران و قیمتهای سرسام آور لوازم التحریر پیش آمد. و در میان تبلیغات رژیم که "تحصیل طبق قانون اساسی رایگان است"، "لکن مدارس عادی و دولتی ملیتی تا ۴ هزار تومان را به نام کتک و همیاری به والدین تحویل میکند و اگر بنحوی نسبت به پرداخت مبلغ مورد نظر اقدام نشود، ثبت نام صورت نخواهد

برای هر خوانندگی در ابتدای امر این مسئله به ذهن خطور میکند که شاید مشکل مالک و مستاجر را داشته باشند. مسئلهای که رژیم نیز سعی دارد انهدان را به آن متوجه گرداند و براین اساس هم مسئولین "توسط پلیس قضائی" را نیز در پی هر جله اضافه گردانند، تا خود را از هر گامی مبرا دارند ولی جواب پلیس قضائی نیز در این مورد شنیدنی است. در مورد تخلیه این مدرسه چند روز بعد پلیس قضائی اعلام میکند که "سه شرط برای بستن مدرسه را در اختیار وزیر آموزش و پرورش" گذارده" ولی وزیر آموزش و پرورش هیچگونه اقدامی نکرده. پلیس قضائی در این جوابیه ادامه میدهد که "حتی آنها پیشنهاد تاخیر تخلیه مدرسه را تا سال ۶۸ داده بودند" ولی وزیر آموزش و پرورش هیچگونه جواب و اقدامی در اینمورد بعمل نیاورده و آنها مجبور به تخلیه شدند.

طبق این ادعا که تازگی نیز ندارد، رژیم خود

## آخرین اخبار زندانها

ها رسیده بود به کمیته بین المللی دفاع از زندانیان سیاسی (والته) به سازمان ملل در تهران ارسال میشود و عدای از اعضای این کمیته بین المللی با حضور در میان خانوادهها بطور زنده در جریان این تحمن قرارداشتند.

### اهواز تصفیه خونین در زندان

رسی ترین سياهچال اهواز بانام "نجر" که تا چندی پیش بالغ بر ۵۰۰ دلاور خلق را در آن به بند کشیده بودند اواخر مرداد و اوائل شهریور ماه سال جاری شاهد تصفیهی خونین بود. در طی روزهای یاد شده جلادان فاشیست زندان اهواز در اجرای احکام ققهای جنایتکار ۲۶ تن از بهترین فرزندان کارگران و زحمتکشان قهرمان این خطه را بیرحمانه به جوخههای اعدام سپرده و اجسادشان را در گورستان ویژه اعدام شدگان که در بیابانهای اطراف اهواز قرار دارد دفن نمودند. همچنین

لبریزان این خانوادهها بحدی است که عوامل سرکوب رژیم را از نزدیک شدن به محوطه گورستان نیز برحذر میدارد.

### شیراز - بازجویی و محاکمه مجدد

#### زندانیان سیاسی زندان عادل آباد

بدینال تشدید سرکوب و فشار وحشیانه جنایتکاران اسلامی در سراسر زندانهای ایران، از هفته آخر مرداد ماه فشار به زندانیان سیاسی زندان عادل آباد شیراز به اوج تازدای رسیده و هنوز نیز ادامه دارد. زندانیان فاشیست کلیه زندانیان سیاسی را ممنوع الملاقات کرده و بدین وسیله مانع از دیدار خانوادههای زندانیان سیاسی با عزیزانشان گشتند و پس از آن کلیه زندانیان را برای بازجویی های مجدد از زندان به بازداشتگاه (مرکز بازجویی) منتقل کرده و به زیر شکنجههای وحشیانه بردند و کلیه زندانیان را تجدید محاکمه نمودند.

قریب به ۳۰۰ تن از زندانیان مزبور بنا بعمل مشکوک و نامعلومی از زندان اهواز به اسفهان انتقال یافتند. گفته میشود در پی تصفیه خونین در زندان اهواز که با کشتار دسته جمعی دهها تن از زندانیان سیاسی و جابجائی صدها تن دیگر از اسرای قهرمان توام گشته زندان مزبور تقریباً خالی شده و در آن حدود ۱۰۰ تن دیگر از زندانیان سیاسی در اسارت بسر میبرند. خاطر نشان میشود که از سال ۶۰ بدین سو و تنها در شهر اهواز از استان خوزستان قریب به يك هزار تن از زندانیان سیاسی تیرباران شدند که در ۲ گورستان ویژه این شهرها در اطراف شهر اهواز مدفون میباشند و هر هفته خانوادههای داغدار این شهرها با تجمع بر مزار عزیزان انسان جسورانه نمایشات سیاسی پرشکوهی را برپای - سازند. بنحویکه سردادن شمارههای "مرگ بر خمینی" بطور نمته جمعی و پخش سرودهای انقلابی توسط ضبط صوت در این گورستان از رایج ترین اقدامات خانواد- های قهرمان شهرها می باشند. حضور یکپارچه و خشم

## گزارشی از نظرات مردم

## در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸

بخش دوم

ارتش است از قول پسرش بلند بلند چنین نقل میکرد: بعد از اینکه موشک بارون تهران تووم شد و ما فاو رو از دست دادیم قرار بود ۸۰٪ کارمندان و کارگران را سریم با جیبها بفرستند اما از داخل کشور و از توطئه منافقین و ضدانقلاب ترسیدند، بخاطر همین جلوی تمام بانکا کیسه شن گذاشتند و از طرفی چون نتوانستند نیروی لازم را فراهم کنند یعنی ۲۰٪ کارگران و کارمندان هم نرفتند، دولتی هانشسته و فکر کردند و بهترین علاج را صلح دیدند، زن جوانی که در کنار دویچایش در ردیفهای جلو نشسته بود برگشته و با صدای بلند گفت، خوب برادر من مگه صلح بده! همه مردم صلح میخوان، گرونی رو نمی بینی، بیچاره شدیم بنار چند روز دیگه ای که زنده هستیم روز خوش داشته باشیم. نوجوانی که تا این لحظه مدام با دوستانش شوخی کرده و میخندید خیلی جدی گفت: میدونید تو این کشور چقدر جوان هم سن و سال من هست که سربازی شون برای پدر و مادرا يك كوه نعه بود اما حالا خیال اونرا راحت شده، راننده اتوبوس با بیحوصلگی و کمی محتاطانه گفت هر دعوائی آخرش صلحه، چقدر خوب بود چند سال پیش قبل از اینکه آتیه جوان بخاک بیفته اینکار رو میکردند.

در دو صف مقابل هم (زنانه و مردانه) نانوائی بحث از همه جا پرشورتر بود و زنی با صدای بلند آنطور که کارگران نانوائی هم بشنوند گفت: بخداکه آرد زیادشه، پخت خوب بشه و این نانوائیا کمی خلوت بشه آخه روزی ۲ ساعت صبح، ۲ ساعت عصر باید فقط تو صف نانوائی بایستیم، پیرمرد ریشو که عصبی بنظر میرسید از صف مقابل (مردانه) تقریبا داد زد چته آجی، دوران سازندگی ما سخته، چته اینقدر بی تابی میکنی برو خدا رو شکر کن که ۰۰۰ زن جوانی که اول صف زنانه بود نخواست صحبت پیرمرد تمام شود و گفت: خوبه، خوبه شکر کنه که چی، شکر کنه که از صبح تا شب تو صف! شما مردها که خبرندارید بیشترین زحمت و فشار را در این دوران جنگی ما زنها کشیدیم، حالا مگه بد میگه که آرزو میکنم صلح شده خیلی خوب اما تاثیر آن باید برای ما وضع رو بهتر کنه نه بدتر و با لحن نرم تری ادامه داد: توهم مثل پدر من هستی نمیخوام جسارت کنم آرزوی همه پدر و مادرا بود که صلح زودتر بیاد اما برای چی بیاد؟ برای اینکه این گرونی روبراره، هی از این صف تو اون صف رفتن رو برادره به مشت بازاری که جیبشون پر شد از اونا تمار بکشه صلح یعنی این پدر من، صلح یعنی این برادر من. صحبتهای محکم زن جوان که تیبی کاملا عامی و زحمتکش داشت آنچنان در روحیه جمع اثر کرده بود که همگان به تحسین وی پرداختند. مرد جوانی که جلوی من در صف ایستاده بود گفت خواهر شبرت حلال، کاملا راست میگي، صلح یعنی همین که کشت و کشتار نباشه، صلح یعنی اینکه کار رباشه، گرونی نباشه، دوستی و روبراستی باشه. حالا تازه قدم اول رو برداشتیم ایشالله به آتروزها هم میرسیم، جوان که تحصیل کرده بنظر می آمد تقریبا از صف خارج شده و خطاب به صف زنانه! و شاید زنی که شجاعانه صحبت کرده بود گفت، خواهر! این پدر حق داشت که میگفت بی تابی نکنید، ما میدونیم که شما مادرها خیلی درد و رنج کشیدید، خیلی داغ دیدید ولی الحمدالله جنگ تووم شد و روسیاهی موند به

بقیه در صفحه ۷

ولی دوباره رفسنجانی دنبال جریان را گرفت و بعد از شکست فاو و شلمچه بقیه جاها را بدستور اون عقب نشستند، مرد سن و جا افتاده ای گفت حالا که کار به اینجا رسیده و اینهمه کشته و خرابی بار آمده باید جنگ یکره بشود من نمیدونم چی شده که اینا (رژیم) از اونهمه حرف و قول و قرارهای قبلی شون که با خون شهدا و رسول خدا داشتند، برگشتند. کارگر مکانیک با خنده گفت، همان جور که از حرامی گوشت یخی، مجانی بودن آب و برق و بلیط اتوبوس گذشتند از جنگ، جنگ تا رفع فتنه در عالم هم برگشتند و با خنده ادامه داد ما چه میدونیم شاید هم واقعا فتنه از عالم رفع شه! وی گفت البته من طرفدار صلح هستم، ضرر را از هر جا جلوی را بگیری منفعت، سرمایه های مملکت از دست رفته حال دولت باید به کاری بکته، فوراً صد هزار کارگر استخدام و چند تن هم رنگ از خارج وارد کنه تا این کارگراها بک رنگا بتوانند شمارهای جنگی و جنگ طلبی را از در و دیوار این مملکت پاک کنند! (خنده جمعیت) در همین موقع روزنامه آمد و از اینکه کوچکترین اشاراتی به موضوع نشده بود به شک و تردیدها دامن زد، عدای میگفتند شاید شایعه باشه، اما برخی قاطعانه نظر میدادند که خودما از رادیو شنیدیم، احتمالاً روزنامهها زودتر از چاپ بیرون آمده و شاید هم فوق العاده چاپ کنند.

وقتی با روزنامه وارد قهوهخانه ای شدم تقریباً توجه همه مشتریان به روزنامه جلب شد و از نگاه استهزام آمیزشان فهمیدم که منتظرند ببینند از صلح چی نوشته، روزنامه را بمیان جمعشان برده و گفتم فعلاً چیزی ننوشته شاید فوق العاده چاپ کنند چون خبر بهر صورت مهله و باب دل همه مردم که از جنگ خسته شده اند، پیرمردی خطاب به قهوهچی گفت مشدی بفرست يك جعبه شیرینی بخره هم خیراموات و هم برای صلح، قهوهچی در حالیکه بسرعت جای میریخت گفت بنار قطعی بشه نوکرم میخرم، مرد شکمگنده و چاقی که بزحمت نفس می کشید گفت صلح یه وقتی شیرینی داشت اما الانه ده سال دیگه هم باید صبر کنی تا خرابیاش آباد بشه یعنی سختی زیادی در راهه. دیگری گفت رفسنجانی اینکار رو کرد، خانواده شهدا بالاخره ترورش میکنند، آخه جیره و مواجب آنها ممکه قطع بشه، شاکرد جوان و سینه کتری قهوهخانه در حالیکه مدام اینور و آنور میرفت و از مشتریان با قلیان و چای پذیرایی میکرد گفت، خواهر من در اراک یه شهید داده و یه اسیر اما با جنگ مخالف بوده، همه خانواده شهدا که مثل هم نیستند یکمده خشک مقدساش با صلح مخالفند اما بقیه قبول دارن. پیرمردی با خنده در حالیکه دستش را بشدت تکان میداد گفت از این هفته در نماز جمعه شعار میدان صلح، صلح تا پیروزی!

در اتوبوس مرد نسبتاً سنی که میگفت باز نشسته

روز ۴/۲۷ ساعت ۳/۵ بعد از ظهر در صف روزنامه جمع کثیری ایستاده بودند (جنوب شهر)، هنوز عدای از آنها موضع ایران و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را از اخبار ساعت ۲ نشنیده و از جریان بی اطلاع بودند، رهگنری حین عبور گفت: چیه منتظر خبر صلحید؟ مگه باور نی کنید صلح شده دیگه، چند لحظه بعد همه در میان جمعیت که از سنین و تیپهای مختلف بودند شروع شد، نوجوانی که عینک نریمینی بر چشم و ته ریشی داشت با حالت برافروخته گفت، منکه باور نمی کنم، اگر این خبر واقعیت داشته باشد افتضاح است، صلح تحمیلی همینه، پاک آبروی اسلام رفت! جوان ریشوی دیگری که بنظر می آمد کارمند یا یک معلم حزب - اللهی باشد با لحن آرام گفت عزیزم احساسی برخورد نکن، یکروز جنگ به صلحت اسلام بود و یکروز صلح درسته، تازه ما فقط قطعنامه را پذیرفتیم و این بمعنی صلح تمام عیار نیست باید متجاوز را معرفی کنند. من در ابتدا فکر کردم آن دو نفر از عوامل رژیم می باشند که در هیئت موافق و مخالف به نوعی نظرسنجی مشغولند اما وقتی بحث همه جانبه تر شده و تقریباً تمامی صف را به جمعهای ۵، ۶ نفره تبدیل کرد متوجه شدم که فرضاً اکثر هم چنین باشد بهترین موقعیت جهت سمع و سو دادن به نظرات فراهم شده، مرد موقر و جوانی تر جواب مرد ریشو گفت صلح خیلی حسوسوب و دوست داشتنی است و حقیقتاً خواست اکثریت مردم بوده که دولت را به قبول و پذیرش آن واداشته اما اگر این پذیرش یکسال پیش صورت میگرفت حداقل تلفات موشکی اخیر را نداشتیم و یا این صلح میتوانست خیلی پیش از اینها قبل از آنکه در هر تک و پاتک، سی هزار، سی هزار کشته دهیم صورت پذیرد، وی ادامه داد که تاخیر در پذیرش صلح و تاثیرات مخرب آن بلحاظ جانی و مالی و اثرات روانی بر جامعه مستقیماً بگردن کسانی است که با حماقت این جنگ بی حاصل را ادامه دادند و حالا که دیگه هیچکی به ندای "هل من ناصر الاقايان" گوش نمی دهدو گفتگر به ته دیگ خورده و همه خانه ... خراب شده اند قبول آن مثل نوشداروی پس از مرگ سهراب است و در حقیقت نوعی شکست است نه صلح. وی ادامه داد که یکماه پیش من و شما نمی توانستیم این بحث را داشته باشیم مسلماً شما بن کافر یا عامل استکبار می گفتی! چی شده که حالا یکدفعه حرف از صلحت و نفع اسلام بمیان آمده! جمعیت از صحبت های مرد جوان کاملاً شارژ شده بودند و از اینکه مرد حزب اللهی ریشو کاملاً تانک اوت شده، خوشحال بنظر میرسیدند. پیرمردی گفت من کار نارم جنگ بنفع اسلام بوده یا به ضرر آن اما من می بینم که قند شده کیلویی ۲۵۰ تومان پس صلح خوبه. جوانی که با لباس کار مکانیکی در صف بود و خیلی با حرارت صحبت میکرد گفت: زمینه این صلح از زمانی چیده شد کسه رفسنجانی جانشین فرمانده گل تو شد، اصلاً رفسنجانی سال گذشته میخواست با امریکایا کنار بیاد، مک فارلین به او قول داده بود که صدام را برادره اما مهدی هاشمی جریانات را فاش کرد و کاسکوزهارا بهم ریخت

## سازمان مجاهدین خلق

## بن بست استراتژیک يك آلترناتیو ارتجاعی

از زمان آخرین دور جنگ شهرها به این سو، سازمان مجاهدین خلق تلاش تبلیغاتی گسترده‌ای را برای موفق جلوه دادن تاکتیکهای خویش و پیروزیای قریب - الوقوع "ارتش آزادیبخش ایران" آغاز نمود. صفحات نشریات این سازمان با عکسهای رنگین رهبران آن در لباسهای نظامی و رستهای آنچنانی پوشیده شده و "ارتش آزادی بخش" با عناوین پرطمطراق و عوامفریبانه بعنوان ناجی ملت و درهم کوبنده "ارتش خمینی" معرفی می شد و برای محووی اثرکردن دیگر گروهبندهای اپوزیسیون از آنها دعوت بعمل می‌آید که اگر مرد جنگ هستند با حفظ استقلال تشکیلاتی و سیاسی خود (۱۴!) در صفوف ارتش مجاهد بچنگند. تلاش برای موعوب کردن لایمهای اجتماعی که محتاج تکیه به شمشیر يك قیم هستند و دعوت به اینکه بشتابید تا قطار راه نیفتاده سوار شوید وگرنه فردا خود مقرر هستید، شاه بیت تبلیغات ارتجاعی مجاهدین خلق بوده است.

شیوه تبلیغات البته چندان تازه‌گی ندارد و مجاهدین خلق از زمانیکه استراتژی کسب قدرت بدون تودمها، از بالا و با تکیه بر بخشی از بورژوازی امپریالیستی را مبنای کار خود قرار داده است باید هم در تبلیغات از روشهای استفاده کند که حتی الامکان در بازار سیاست کشورهای بورژوازی خریدار داشته باشد.

ارتش آزادیبخش را باید فرم تازهای از کالاهای تبلیغاتی مجاهدین به حساب آورد. برخلاف آب و رنگ ظاهری آن این ارتش نام تازهای برای میلیشیای دانش آموزی است که امروز اوئیفورم نظامی به تن کسورده تا ظاهری جدی بخود گرفته باشد. گرچه میلیشیای در چارچوب برنامه قدیمی خود مفهومی را القا میکند اما امروز در هیئت "ارتش" حتی اگر به چند توپ ۱۰۵ و تانک چیتن هم مجهز باشد کاریکاتوری از يك ارتش آزادیبخش را به نمایش میکشاند. زیرا در يك تعریف ساده از ارتش آزادیبخش و (صرفنظر از استراتژی واقعا آزادیبخش آن) باید مشخص کرد این ارتش بر کدام نیروی اجتماعی متکی است و از کجا سربازگیری میکند.

نیروهای مسلح يك انقلاب یا بصورت ارتش سرخ کارگری و دهقانی و بنابراین با اتکا به نیروهای اقلیت و طبقات انقلابی بوجود می‌آیند و یا دریک جنبش ملی به صورت نیروی مسلح این جنبش - مثلا پیشمرگان خلق کرد - سازمان می یابند. و ما در تجربه کشور خودمان در جریان انقلاب بهمین به روشنی روند ایجاد نیروهای نظامی، خلقی را که در مرحله معینی از رشد جنبش توده ای و بعنوان محصول بلافضل آن یا بعرضه وجود میگنارد به چشم دیدیم. درصورتی که رهبری انقلاب بدست نیروهای ارتجاعی نمی افتاد، ارتش خلق از میان تودمهایی که در خیابانها با ارتش مزدور یلوی جنگیدند و در روزهای ۲۲ تا ۲۳ بهمین حمله به پادگانها را سازمان دادند شکل می یافت.

بنابراین ادعای ایجاد ارتش آزادیبخش توسط

سازمانی که بدون تودمها و علیرغم آنها میخواهد بقدرت برسد به این منظور است که نقش و کارکرد واقعی نیروهای نظامی اش و شرایط ایجاد این نیرو در ایهام باقی بماند. نیروی نظامی مجاهدین برخلاف ناوش، نه متکی به اقلیت و طبقات انقلابی و نه اساسا به هدف جنگیدن برای منافع تودمها ایجاد شده است، بنابراین مسعود رجوی در اصطلاح کشودن آخرین طلسم انقلاب، یعنی اقدامی که می بایست آخرین آجر در بنای استراتژی مجاهد باشد، بازهم بوق را از سر کشادش به صدا در آورده و بیگانگی مجاهدین را با تودمها و با خواستههای آنها بیکار دیگر نشان داده است. جوهر قضیه اینست که ارتش آزادیبخش مجاهد در شرایط جنگ بین دو دولت ایران و عراق و بعنوان تابعی از اوضاع این جنگ تشکیل شده و بنابراین چه بلحاظ نظامی و چه از نظر سیاسی وابسته به تحولات نظامی در جبههها و در رابطه بین دو دولت متخاصم میباشد. این نیرو علیرغم محاسبه سازمان مجاهدین دقیقا به علت اینکه تابع پارامترهای است که در خارج از اختیار ایجاد کنندگان آن قرار دارند، هرگز نمی‌تواند به اتکا به نیرو و منابع خود و مستقل از پارامترهای فوق به حیات خود ادامه دهد و بنابراین تنها به این درد میخورد که در بازی آلترناتیوها از سوی مجاهدین تضمین های لازم را به بورژوازی بومی و امپریالیزم داده و نگرانی آنها را در مورد خطر جنبش انقلابی تودمها در شرایط ریزش رژیم فقها برطرف کند. کسب قدرت با اتکا به نیروی ضرتی يك ارتش مجهز در وضعیتی که بعلت شکستهای پی در پی رژیم فقها در جنگ، این رژیم در وضعیت هرچه متزلزل تری قرار میگرفت، ظاهرا يك امکان واقعی بود. هیاهوی تبلیغاتی در مورد فتوحات ارتش آزادیبخش و از جمله اشغال پارهای از مناطق مرزی و بنمایش گذاشتن اسرا، اوج قدرت نمائی مجاهدین بود. این تبلیغات میرفت که ظاهرا پایان شکستهای پی در پی مجاهدین - از سال ۶۰ و تشکیل شورای ملی مقاومت، تافروپاشی قطعی این شورا و تبدیل مجاهدین به يك پلاکارد تبلیغاتی - را اعلام کرده و راهپیمائی از مهران تا تهران را آغاز شده بنمایاند.

در اوج این قدرت نمائی اما مجاهدین موفق به جلب بورژوازی ایران و کسب حمایت فعال امپریالیزم نمی شوند و این اولین ضربه است. در اینجا روشن میشود که دو طرف یعنی مجاهدین و بورژوازی و امپریالیزم، ارزیابی یکسانی از نقش ارتش مجاهد ندارند. برای اولی این ارتش می باید با استفاده از تمام امکانات بسوی قدرت بجهد و برای دومی، نیروی مجاهد تنها در شرایط ناعلاجی که سایر امکانات از دست رفتند، مطرح است. بعلاوه امپریالیزم در ورای تبلیغات مجاهدین در مورد ارتش خود، ارزیابی دقیقی از کارائی رزمی این میلیشیای مجهز شده به سلاح سنگین دارد و میدانند که هنوز جمهوری اسلامی قوی تر از آن است که باترفتهای

مجاهد از جا کنده شود. مجاهد اما برای اطمینان دادن از مرغوبیت کالای خود تا نزدیکی کرمانشاه به پیش میروند و بر آنجا بدون حمایت ارتش عراق، در محاصره ارتش - که به فرمانها و دستورات مسعود و مریم برای تسلیم واقعی نمی دهد - و سپاه، تارومار شده و روبه هزیمت میکشاند. این آخرین تلاش برای در اختیار گرفتن مناطق آزاد شده در جوار مرز عراق نیز شکست میخورد و "ارتش آزادیبخش" سرهم بندی شده مجاهد، بیگانه با مردم و بدون اتکا آنها و حتی بدون حمایت فعال بورژوازی و ارتجاع و صرفا متکی به تداوم يك جنگ، به بن بست رسیده، در مسیر فروپاشی قرار میگردد. تا اینجا روشن شده است که ارتش آزادیبخش مجاهد نه میتواند به جلب حمایت تودمهایی که گویا قرار است توسط آن آزاد شوند موفق شود و نه در حالت عادی یعنی حالتی که رژیم اسلامی هنوز کاملا ظلیل و زبون نشده باشد، نیروهای بورژوازی ایرانی و بین المللی را به خود جلب کند. بنابه فرض حتی در حالت اخیر، یعنی وقتیکه مجاهدین به برگ اصلی ارتجاع و امپریالیزم تبدیل شود نیز، دنیا چندان بر وفق مراد نخواهد بود و در این مورد هم رهبران مجاهد اشتباه میکنند زیرا فروپاشی رژیم فقها حتی اگر تحت فشار جنبش تودمها هم صورت نگیرد و نقش عوامل خارجی در آن برجسته باشد، بازهم به خیزش تودمها میدان داده و در يك چشم بهم زدن وضعیتی بوجود خواهد آمد که ارتش مجاهد مجبور خواهد شد که از همان آغاز به قدرت دوگانه تودمها، به زحمتکشان عاسی، به کارگرانی که امکان شکل می یابند و به پیشمرگان دلاور خلق کرد دندان نشان دهد. تصور خامی است هرآینه پنداشته شود که در وضعیت طوفانی فروپاشی رژیم خمینی مبارزه طبقاتی منجمد شده و زحمتکشان برای رها شدن منتظر ورود ارتش مجاهد خواهند بود. تجربه انقلابیهم نقش عظیم اقدامات مستقل تودمها، ابتکار و نیروی لایزال نشان داد. درسهای گرانقدر انقلاب بهمین و نفس وجود اپوزیسیون چپ، انقلابی و دمکراتیک بعنوان نیروی سازمانگر جنبش تودمها و ازهمه مهمتر، وزنه سنگین طبقه کارگر، همه و همه در باطل کردن رویای مجاهدین بکار خواهند افتاد. در واقع درست برعکس آنچه که القاسم میشود، این مجاهد و ارتشش هستند که باید برای فعال شدن امکانات خود منتظر تودمها و اقدامات آنها برعلیه رژیم خمینی بمانند و یا اقبال خود را به این و آن عامل خارجی گره بزنند. پس ارتش آزادی بخش مجاهد چیزی بیش از يك ارتش منتظر، يك ارتش تبلیغی برای سرپاایستادن و هیاهو کردن نیست. این ارتش صرفنظر از خیالهای خوش رهبران مجاهد، به روشنی بیانگر انزوا و درماندگی مجاهدین و شکستی دیگر برای برنامههای این سازمان میباشد و برآستی يك معجزه میتواند شرایطی را فراهم آورد که مجاهدین کمی بسه هدف خود نزدیک شوند!

# مقدمه بررسی جنبش دانشجویی

## در خارج از کشور

جنبش دانشجویی در خارج از کشور در سالهای اخیر توجه چندانی را به خود جلب ننموده است. این در وهله اول حتی غیرعادی بنظر می آید، خاصه آنکه این مسئله جنبش دارای تاریخچه‌ای طولانی است که با تاریخ مبارزات مردم ما در چند دهه اخیر پیوند محکمی دارد. بنابراین با گذری به این تاریخچه طولانی ضرورت توجه به سازماندهی دانشجویان را یادآوری می‌کنیم.

کودتای ۲۸ مرداد و مهاجرت‌های سیاسی متعاقب آن علا بخشی از کادرها و فعالین سازمانهای سیاسی آن زمان یعنی حزب توده، جبهه ملی و جامعه سوسیالیست را وارد حوزه جدیدی از فعالیت نمود که تا آن زمان چندان شناخته شده نبود. این سازمانها در مهاجرت و در شرایط نسبتاً مساعد اروپای غربی و آمریکای شمالی و پابهای رشد جمعیت دانشجویان خارج از کشور بهرور اهمیت مبارزات دمکراتیک را دریافته و فعالیت خود را در میان این دانشجویان، با تاسیس انجمن های دانشجویی مجزا و وابسته خود آغاز نمودند که در طی یک روند این تشکلهای در سطح مناطق و کشورها به یکدیگر پیوسته و بالاخره در سال ۱۹۶۱ در پاریس کنگره نخستین خود و یکسال بعد در لوزان کنگره موسی "کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی" را تشکیل دادند. کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی زمانی با بعرضه وجود گذاشت که روند افول احزاب سنتی و تقلیل چشمگیر نفوذ آنها در جامعه ایران شتاب بر میداشت. "انقلاب سفید" به عنوان اقدامی از سوی رژیم سلطنتی که هدف اجرای یک سلسله رفرمهای اجتماعی را دنبال می‌کرد. از یک سو بن بست احزاب فوق را تشدید نموده و از سوی دیگر خود زمینه رشد شتابان سرمایه‌داری و بنابراین افزایش چشمگیر نیاز به تحصیلکردگان و متخصصین را فراهم می‌نمود. رشد سریع کنفدراسیون در چنین شرایطی موجب شد که این سازمان تا حد زیادی عملاً به پر کردن خلأ ناشی از فتور احزاب سنتی بپردازد و به مرور به یک نیروی اپوزیسیون تودنای و نیرومند در خارج از کشور تبدیل شود. این تشکل در عین حال بعنوان سازمانی متعلق به دور جدیدی از زرفشهای طبقاتی در ایران خود حامل گرایشات و تمایلات متعددی بود که می‌بایست چند سال بعد در شکل احزاب و سازمانهای سیاسی جدید و بویژه در هیئت احزاب دموکرات و چپ، عری اندام کنند. بنابراین کنفدراسیون در روند گسترش خود تا حدودی نقش یک جبهه بزرگ را نیز ایفا میکرد که بسیار فراتر از یک تشکل سراسری و صنفی - سیاسی دانشجویان رفته بوده. فعال شدن گرایشات مختلف ایدئولوژیک درون کنفدراسیون در معنای دقیقتر چیزی بجز فراکسیون احزابی نبود که هنوز صورت کامل یک حزب را بخود نگرفته بودند. این تشتت بر زمینه اختلافات چین و شوروی و بزرگترین بحران جنبش کمونیستی جهانی صورت گرفت و حامل کم و بیش همه خصوصیات این بحران

بود. شروع مبارزه مسلحانه در ایران روند جدائی این گرایشات را شتاب نوینی داد، و تجزیه کنفدراسیون به چندین سازمان و گرایشات مختلف و تبدیل بسیاری از کادرهای آن به کادرهای جنبش چپ‌را در خارج از کشور در پی داشت. این سازمانها در آستانه انقلاب بهمن و پس از آن تحت عنوان انجمنهای دانشجویی هوادار سازمانهای سیاسی مشخص و نه حتی هواداری از یک طیف احزاب و گروه‌بندی های سیاسی عمل میکردند و وجوشان پایان یکدوره از مبارزات دانشجویی در خارج از کشور را اعلام میداشتند. تاریخ چند ساله پس از انقلاب نیز با تشدید همین روند و قوام گرفتن بیشتر تشکلهای هواداری و انحلال سازمانهای سراسری تودنای منجملمتشکل-های دانشجویی مشخص میگردد. از این رو آنچه امروز بنام انجمنهای دانشجویی خوانده میشود به معنای دقیق کلمه نه یک تشکل هواداری دانشجویی که بیشتر تشکل هواداری بطور عام است که بعنوان انجمن دانشجویی فاقد هرگونه هویت اجتماعی است.

تشدید روند تجزیه دانشجویان به گروه‌بندی های هواداری پس از انقلاب در حالی صورت میگیرد که خارج از کشور میزان نسل تازه‌ای از جوانان ایرانی است که غالبشان در تلاش راهیابی به دانشگاهها هستند. این نسل جدید بافت تازه‌ای به جنبش دانشجویی می‌بخشد و زمینه اجتماعی نوینی برای شکل گیری جنبش دانشجویی فراهم می‌آورد. جنبشی که براساس هویت دانشجویی شکل گرفته و فعالیت می‌کند.

نسل جدید دانشجویان در خارج از کشور عمدتاً از دو گروه اصلی تشکیل شده است. گروه اول دربرگیرنده انبوه مهاجرین سیاسی است که مشغول تحصیل شده و بلحاظ موقعیت اجتماعی و وضع سیاسی در مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند و گروه دوم دانشجویانی را دربرمیگیرد که بطور قانونی از ایران خارج شده و یا حمایت مالی خانواده خود به تحصیل اشتغال یافته و علیرغم اینکه اکثر آنها با رژیم اسلامی مخالفند، بخاطر ترس از حصارسی های رژیم هنگام بازگشت حاضر به فعالیتهای سیاسی تند و علنی نیستند. در بسیاری از فعالین گروه اول سرخوردگی نسبت به فعالیت سیاسی و اعتشاش نظری وجود دارد که آنها را به نحو افراطی به تحصیل و بی میلی به کار سیاسی جمعی و انفرادمنشی روشنفکرانه سوق داده است. این گرایش اما هنوز به صورت سیاست گریزی تعمیق نیافته و در صورت اتخاذ خط مشی درست از سوی سازمانهای انقلابی میتواند معکوس شده و در شرایط اوجگیری مبارزات توده ای در ایران کاملاً منزوی شود.

علاوه بر ملاحظاتی فوق باید توجه داشت که وضعیت دانشجویان ایرانی در هر کشور دارای ویژگیهای مربوط به خود است و از این رو در سازمان دادن دانشجویان و تعیین شعارهای مبارزاتی آنها میبایست به این ویژگیها توجه نمود.

با توجه به آنچه گفته شد، تعیین مهمترین

شعارها و اهداف جنبش دانشجویی در وضعیت فعلی دارای اهمیت کلیدی است. دانشجویان ایرانی در خارج از کشور دارای درخواستهای صنفی و سیاسی ویژه خود هستند که آنها را میتوان بصورت زیر دسته بندی نمود:

— خواستههای اخس صنفی نظیر لغو محدودیتهای مربوط به پذیرش، دریافت وام تحصیلی بلاعوض، تسهیلات اخذ ویزا برای خانوادهها و...

— دفاع از خواستهها و مبارزات دانشجویی در ایران، دفاع از درخواستهای دموکراتیک و مبارزات توده ای و افشاکاری بر علیه جمهوری اسلامی و باری رساندن به اپوزیسیون دموکراتیک و انقلابی ایران در افشای هرچه گستردهتر ماهیت رژیم.

— خواستههای امم دانشجویی که در کشورهای مختلف متفاوت بوده و برای تحقق آنها می‌بایست در تشکلهای و فعالیتهای عموم دانشجویان شرکت کرده و حول آنها مبارزه نمود.

بی شک از جمله وظائف مهم هر نوع تشکل دانشجویی در خارج از کشور ایجاد ارتباط با مجامع دانشجویان سایر ملل و گسترش فعالیت در این زمینه و شرکت در مجامع بین المللی دانشجویی است که راه پیشبرد اهداف و خواستههای نامبرده را نیز میکشاید.

از میان خواستههای فوق، خواستههای سیاسی دارای اهمیت و افری در مبارزه بر علیه رژیم اسلامی بر ایران است، اما این خواستهها الزاماً دارای قدرت بسیج کننده نبوده و غالباً مجمل سازمان دادن دانشجویان نیستند. سازمان دادن دانشجویان با توجه دادن آنها به خواستههای صنفی و گردآوردن آنها در محافل و هستمهای که در ابتدا برای این خواستهها بوجود می‌آیند با سهولت بیشتری صورت میگیرد. اینگونه تشکلهای دانشجویی اولیه که در سطح یک موسسه علمی و یا حتی بخشی از آن میتواند ایجاد شود میبایست با سرعت به فعالیتهای فرهنگی از جمله تاسیس کتابخانه، بپردازد و به مرور دامنه فعالیتهای صنفی و فرهنگی خود را گسترش دهد. با توجه به سطح نازل کونی فعالیتهای اجتماعی دانشجویان، بدیهی است نمی‌توان از امکان شکل گیری اتحادیههای دانشجویی صحبت کرد. ولی تشکلها و هستمهای نخستین چنین اتحادیههایی را از هم اکنون میتوان پایه ریزی کرد. این هستمهای اولیه امکانات مادی موجود را گرد خواهد آورد و شرایط را برای شکلگیری اتحادیهها فراهم خواهد ساخت. تشکل این اتحادیهها هدف بلند مدت ماست که در این راه می‌بایست با خلاقیت از همه امکانات موجود و تمامی محمل های گردآوری دانشجویان استفاده نمود. جنبش دانشجویی در خارج از کشور برای رشد و گسترش خود محتاج کار صبورانه و هدفمندی است که با شناخت مختصات کونی آن و توجه اکید به خواستههای کونی و همه امکانات موجود مشخص میشود. ما همه فعالین دانشجویی در خارج از کشور را به بحث و تبادل نظر در این مورد و همکاری در راه شکل دادن به یک جنبش نیرومند دانشجویی دعوت می‌کنیم.



## طرحهای معتدل برای انقلاب فلسطین

ادامه از صفحه ۴

کزارشی از نظرات مردم در مورد ...

اونائی که توی این شرایط تا تونستند مردم را چاپبندند، مرد سن دیگری حرف جوان را قطع کرده و گفت نخیر! شما اشتباه میکنید، روسیاهی به اونا نموند، برای اونا دسته، دسته اسکانس موند، روسیاهی موند به آتش بیار معرکه! روسیاهی موند به يك مشت همیزم جمع کن نفهم! روسیاهی موند به اونائی که ندانسته این بدبختی را برای مردم پیش آوردند! پس از چند لحظه سکوت و بیخ و بیخ خفیف که ناشی از صحبتهای رگ و شاید قلمبه و سلمبه پیرمرد برای جمع بود، دوباره همه صفا را فراگرفت.

روز بعد محل کار جنب و جوش و حالت عجیبی حاکم بود، کارگران با اکراه لباس خود را تعویض کرده و لباس کار میپوشیدند. بنظر می آمد همه منتظر حوادث و وقایع آینده هستند، همه بهم تبریک میگفتند و از یکدیگر طلب شیرینی میکردند. دوستی میگفت دیشب چهره رفسنجانی را دیدید! انگار جسدش پشت دوربین تلویزیون بود، به حالت تشویش و دلبره ناشت و ادامه میداد که ترس از عواقب این صلح و مخالفت خودبها او را دچار سرگیجه کرده بود، با بهت و حیرت به سوال خبرنگاران پاسخ میداد، دیگری گفت به جهنم! مگه سرمشله جنگ با هم دعوا نداشتند حالا بنار برای صلح هم تو سرو کله هم بزنند و ادامه میداد که نکتم سرنگونی هواپیما تاوان صلح است و همه این برنامهها با توافق قبلی صورت گرفته، اکبر شاه اصلا ماموریت داشته که صحبتهای ناتمامش را با یک فارلین تموم کنه و کرد اما به چه قیمتی هنوز معلوم نیست، کارگر دیگری میگفت قرار بزودی سپاه در ارتش ادغام بشه و کمیته یا قاطی شهربانی خواهد شد و یا کلا منحلش می کنند، بسجیجا که ول معطلند همین حالا خیلی هاشون گفتند که برین خونهاتون فعلا احتیاجی به شمسا نداریم!

دوست دیگری میگفت میکن محسن رضائی شدینا مخالفت کرده و گفته تا خود خمینی صلح را اعلام نگه ما قبول نداریم و ادامه میداد که بچهها من دو تا پیراهن دوختام یکی مشکی و یکی آبی تراره پیراهن مشکی را در مرگ خمینی بیوشم اون در حال نکرات است و حال اینکه صلح را اعلام کنه ناره. چند نفری به او اعتراض کرده و با شوخی گفتند، ای بیچاره برای اون پیرسگ میخوای مشکی بیوشی!؟ دوستی که تازه از راه رسیده بود گفت همه شرکته دارن شیرینی میدن دم در نهبانی شون شیرینی گذاشتند بیایید ما خودمون پول جمع کرده شیرینی بخریم و ادامه میداد هر چند صلح با این اقتضای شیرینی ناره اما چون حال جنگ طلب ها رو گرفته و خواست بیشتر کارگرا بوده باید بکسوری چشمشون اینکار رو بکنیم که در مجموع مورد موافقت جمع قرار نگرفت و همه آترا به بعد موکول کردند. اینطور بنظر میرسد که منتظر خبرهای داغ و بهتری هستند تا شیرینی کاملا بهشون بچسبه.

ادامه دارد

چاپ رسید. مقاله‌ای که توانائی از مخالفت در جناح راست دولت صهیونیستی بیا کرد چراکه آنهاحتی يك سانتیمتر از مناطق اشغالی را هم قابل مذاکره نمی دانند! اما در همان حال این طرح که با "ظرافت واقع بینانای" همراه است از جانب جناح چپ ساف نیز مردود شناخته شد. دلیل آنهم روشن است: این طرح نیز براساس نادیده گرفتن حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین، و تنها برای حفاظت از مرزهای قبل از سال ۱۹۴۷ اسرائیل عنوان شده است. درواقع این طرح پلاتفرمی است که برای خلع سلاح کردن انقلاب فلسطین در ازای تکمیل برای خاك تهیه گردیده است. انحلال ساف، غیرنظامی اعلام کردن "دولت فلسطین" بعلوه دشمن تا دندان مسلح که از بکاربردن هیچگونه وحشی گری تئوریستی برای "تأمین مرزهای امن" خودداری نمی کند، بمشابه انداختن میش به محاصره شیرهای گرسنه است. اما از جانب دیگر این طرح مشاهیر و کارکنان "الفتح" راهم نوازش میدهد. همانهایی که به زندگی بمشابه "دیپلماتهای فلسطین" و جایگزین کردن دیپلماسی بجای مبارزه انقلابی عادت کرده اند. چشم انداز يك دولت که از جانب تعداد قابل توجهی از دول به رسمیت شناخته شود برای این قشر بیروگرات که پیوندهای تنگاتنگی با بورژوازی مهاجر فلسطینی و دول ارتجاعی عرب نظیر عربستان سعودی دارند، خیلی خوشایند است. در حقیقت امر نیز قیام در مناطق اشغالی به میزان زیادی زندگی آرام اینان را برهم زد! موج انقلاب نه فقط دشمن صهیونیستی بلکه جناح راست جنبش فلسطین را نیز آشفته خاطر کرد. در چنین شرایطی هم جیتی معین میان "صهیونیستهای معتدل" و "جناح راست ساف" پدید آمده است. هر دو "افراطیون" خودی را طرد کرده و بر اصل "مذاکره برای صلح" توافق دارند. اما اگر این امر از جانب صهیونیستهای "عاقلی" که جنبش فلسطین نگرانان کرده و از اینرو حاضر به دادن خرده امتیازاتی هستند، کاملاً "معقول" و منطبق با استراتژی آنان یعنی "زمین در مقابل صلح" میباشد، موضع جناح راست ساف خنجر آشکاری بر پشت نهضت فلسطین است. این موضع درست در قبال منافع و اهداف خیزش کثونی خلق فلسطین قرار دارد. قیام جاری خواسته خود را نه اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل که در آن مشکل خلق فلسطین به ساله "آوارگان" تقلیل داده شده بلکه ادامه انقلاب، گسترش سازماندهی توده‌ای بمنظور تحقق حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین است. "دولت کوچک" یا مصالحه بر سر مرزها پاسخگوی خواسته بحق خلق فلسطین نیست. ادامه انقلاب تا پیروزی و برقراری يك دولت دمکراتیک فلسطینی که در آن خلقهای عرب و یهود با یکدیگر زندگی خواهند کرد و در آن جایی برای صهیونیسم اشغالگر وجود ندارد اینست پیام قیام خلق فلسطین. هر چیزی جز این معنائی جز بازی در چارچوب طرحهای امپریالیستی و بازگشت به همان پلاتفرم کذائی کبب دیوید ندارد، طرحی که قیام کثونی خلق فلسطین بر ویرانه‌های آن بنا شده است. شعار امروز جنبش انقلابی فلسطین در خارج از فلسطین تنها يك چیز است: با تمام قوا در خدمت یکاگرگرفتن ساف برای تدارکات، سازماندهی و هدایت قیام خلق فلسطین. وظیفه همه دوستان واقعی انقلاب فلسطین یاری رساندن به این هدف و افشای طرحهای امپریالیستی در سطح افکار عمومی جهانی است.

بی تردید قیام دلآورانه خلق فلسطین در مناطق اشغالی غرب رود اردن و نوار غزه معادلات سیاسی این منطقه را برای همیشه برهم زده است. آغاز قیام و تلاطم آن محافل صهیونیستی و ارتجاع عرب، هر دو را، غافلگیر و هراسان کرد. حال که پس از نه ماه تظاهرات و درگیریهای مداوم و طبرغم اعلامیه‌های "پایان کار" فرماندهی نظامی ارتش اشغالگر، همه به تلاطم و تعمیق این جنبش دلآورانه اذعان دارند، مباحثه بر سر استراتژی آتی جنبش فلسطین با حدت تمام درگیر شده است. اعلام "صرف نظر" کردن ملك حسين اردنی از "حاکمیت موروثی" ادعائی خود، تا آنجا که مربوط به مناطق اشغالی همجوار اردن میگردد، به ضرورت اتخاذ يك خط مشی روشن و پاسخگوئی به مسائلی که در اثر این اقدام در دستور روز قرار گرفتند، فوریت و بیژائی داد. در حقیقت امر این کنارگیری ملك حسين يك پیروزی بزرگ برای خلقی بود که هرگز "حاکمیت" ارتجاع هاشمی را نپذیرفت. "ارثیه" اهدائی امپریالیسم انگلیس از همان زمان "قرارداد بالفور" از جانب خلق فلسطین طرد شده بود. اما نقشه‌های ارتجاع هاشمی برای "اردن بزرگ" به مدت طولانی از جانب صهیونیسم و امپریالیسم برای "فصله دادن" به "ماجرای فلسطین" و طرح باصطلاح "فدراسیون اردنی - فلسطینی" تحت حاکمیت خاندان هاشمی، مورد استفاده قرار گرفت. امپریالیسم متحدان بومیش بدین طریق حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین را بکلی نادیده گرفته و مسئله را به "مشکلی در مناسبات با اردن" کاهش میدادند. اوج این استراتژی خود را در طرح کبب دیوید و "اعطای خودمختاری محدود" در چارچوب اقتدار ارتجاع هاشمی نشان داد. امروزه اما با عقب نشینی ملك حسين که توسط وسعت و منظم قیام مناطق اشغالی به او تحمیل شد، اینگونه "راه حل" های امپریالیستی دچار بحران جدی شده‌اند. شکست بیابای ماموریتهای جورج شولتز در منطقه بهترین شاهد این مدعا هستند. زبیراگناختن آشکار حق تعیین سر - نوشت خلق فلسطین و دفاع بدون قید و شرط از مرزهای پس از جنگ ۱۹۴۷ اسرائیل، دو محور اصلی این ماموریتها را تشکیل میدادند. حال با تغییر توازن قوا و برآمد مستقل خلق فلسطین، محافل امپریالیستی به شرکدهای "واقع بینانتری" توسل جستند و در سایه شکست خط مشی سرسختانه انکار هر نوع حقوقی برای خلق فلسطین، "جناح معتدلیون" بابرگ جدیدی به میدان آمدند و آن "تثویق" سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) به شناسائی اسرائیل و "مذاکره" برای تعیین مرزهای دو کشور، بین اسرائیل و فلسطین است. مقدمه این اقدام نیز اعلام استقلال و تشکیل دولت موقت در تبعید است. سپس، طبق این سناریو که توسط "انستیتوی مطالعات فلسفی و سیاست عمومی" دانشگاه مرلیند (مرکزی که نزدیکی زیادی به محافل دمکرات و "صهیونیستهای معتدل" دارد) تهیه شده است. این دولت خود را "غیرنظامی" اعلام خواهد کرد، پس از آن ساف خود را منحل کرده و با به رسمیت شناختن اسرائیل وارد مذاکره با دولت صهیونیستی خواهد شد تا تشکیل این دولت در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن واحیانا مناطق دیگر تحت اشغال از جانب اسرائیل رسمیت بیابد. این طرح در متن مقاله‌ای عنوان شده که نشریه "القدس"، که در اورشلیم شرقی منتشر میشود، به

با پیام کارگر هم‌کاری کنید!

فروش گوشت آلوده به مردم

● در جریان گرفتن رای اعتماد اعضا دولت از مجلس هادی غفاری مطرح نمود که "اینجا (وزارت بهداشت) انواع مواد شیمیایی را تحت عنوان تحقیقات روی گوسفندان آزمایش میکنند و کمی بعد گوسفندان مریض را بعنوان اینکه خوب شده‌اند به مردم فروختند، بدون اینکه نگران بیماری و آلودگی مردم باشند". حال مسئولین رژیم مواد شیمیایی را برای چه آزمایشی روی گوسفندان آزمایش میکنند، خود بحث جداگانه‌ای است. هادی غفاری در قسمتی دیگر از حرفهایش به مورد دیگری اشاره میکند و آن اینکه "دیگری گوشت آلوده به انگل گاو را کبوزارت بهداشت پس از بازدید صرف آنرا ممنوع اعلام کرده است، به پنهان اینکه خوش رنگ است و ظاهرا خوب است و میکروب را نمی‌بینند به خورد بچه‌های بسیجی دادند". قهقهه چون میکروب را نمی‌بینند پس خوردن آنرا حلال دانند. آبی در این زمینه آنقدر

شور بود که هادی غفاری نیز صدایش بلند شده که "اینجا کسانی را که به کار تتراکات غذائی جنگ و جبهه گماشته اند، میکروب و انگل را تابه چشم خود نبینند باور نمی‌کنند".  
وزارت بهداشت جمهوری اسلامی آنطور که برمی‌آید در اینکار کم سابقه نباید باشد چرا که در مواردی دیگر "تعاون این وزارت، مرغ و تخم مرغ فاسد را که بوی آن تمام محیط را پوشانده، از فروشگاه تعاونی نیروی دریایی به پاسداران بیچاره و مردم می‌فروشد".  
برای جمهوری اسلامی آنچه ارزش ندارد جان انسانهاست و در این زمینه آنان حتی به حواریون خویش نیز رحم نمی‌کنند. فروش مرغ فاسد به افراد سیاه و خوراندن گوشت انگل ناز به بسیجیان، تازه دو نمونه کوچک در اینمورد هستند.

مواد شیمیایی هدیه رژیم به شهروندان تهرانی

● این روزها رژیم جمهوری اسلامی استفاده دولت عراق از مواد شیمیایی را بیانه‌ای برای سرپوش گذاشتن به جنایات خویش قرار داده است و بدین وسیله میخواهد افکار جهانی را به "مظلومیت" خویش جلب نماید. این مظلوم‌نمائی رژیم در حالی صورت میگیرد که در مجلسی نه تنها به خرید مواد شیمیایی اشاره میشود بلکه صحبت از آزمایش آنها بر روی گوسفندان می‌رود. در همین رابطه یکی از نمایندگان مطرح کرد که "اینجا (منظور از اینجا وزارت صنایع میباشد) وقتی به هزار زحمت تعدادی مواد شیمیایی تهیه کردند" با آوردن چند نقطه گوینده نخواستند صحبتی از بعب شیمیایی بمیان آورد ولی هر خواننده‌ای میتواند حدس بزند که این "تعدادی" چیزی جز بمب های شیمیایی نباید باشد و تازه این خرید یک طرف قضیه است در سوی دیگر "بدون در نظر گرفتن مبانی حفاظتی و نکات ایمنی آن را در نقطه‌ای نزدیک شهر تهران انبار کردند که اگر تصادفا اتفاقی برای این مواد رخ مینماید، نقطه مورد نظر جایی انتخاب شده بود که باد سموم شیمیایی را تماما به نقاط پرجمعیت شهر تهران می‌آورد" البته سخنران غافل از این بود که نقطه

مورد نظر تاجحال "چندبار دچار آتش سوزی شده که نه گزارشی به سمع مسئولین رسیده و نه اهمیتی به اظهارات کارگران و نیروهای مسئول نگهداری آنها داده شده است". یعنی برطبق این گفته‌ها تاکنون ندری چند آتش سوزی در محل مذکور، چندین بار سموم شیمیایی بر سطح آسمان شهر تهران گسترش یافته‌اند و مردم بیچاره همراه هوا گازهایی مذکور را نیز به داخل ریه‌های خویش کشانده‌اند و رژیم نیز بعلت وحشت از مردم از انعکاس خبر خودداری نموده است. ندری همین حرفها در مجلس همچنین افشا میگردید که رژیم در جنگ با عراق از گاز خردل نیز استفاده میکرده است. برای نمونه کارگران انبار مذکور "اشتباهاً به جای اسید کلریدیک برای یکی از توالتهای یک ساختمان از گاز خردل استفاده کرده‌اند، یعنی دستشوئی را با گاز خردل شستند که یک نفر تلف و چند نفر مجروح شدند". (نقل قولها از جریان بحثهای مجلسی برای اخذ رای اعتماد به دولت میباشد)  
و بدین طریق دم خور و قهقانه‌نیز بیرون می‌آید و صفحاتی دیگر بر تاریخ ننگین این جانباختگان افزوده‌تر می‌گردد.

ایران از نگاه آمار

● در سال تحصیلی ۶۷ - ۶۶، ۱۲ میلیون و ۱۱ هزار و صد و شش دانش آموز در ایران مشغول تحصیل بودند. این تعداد در هفتاد و دو هزار و سی واحد آموزشی که ۵۲۱۱۴ تائی آن در روستاها بودند، درس میخواندند. در همین سال تعداد کادر آموزشی ایران ۶۵۸۳۶۶ نفر بود.  
- از ۱۶۸ هزار دانشجویی که در سال تحصیلی ۶۶ - ۱۳۶۵ در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به تحصیل مشغول بودند، ۲۸ هزار نفر در رشته‌های وابسته به پزشکی، ۸ هزار نفر در کشاورزی، شیلات و جنگلداری، ۲ هزار نفر در حقوق، ۴۲ هزار نفر در امور مهندسی و بقیه در سایر رشته‌ها اشتغال به

تحصیل داشتند.  
- تعداد کتب منتشر شده در سال ۱۳۶۵ درکل کشور ۳،۸۱۲ عنوان در تیراژ ۲۸/۱۱۲ نسخه بود که شامل ۲۵۹۳ تالیف، ۱۰۳ عنوان ترجمه و ۱۴۲ چاپ از نسخه اصلی میباشد.  
- در سال ۱۳۶۵ هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی سالانه یک خانوار روستائی حدود ۷۶۲ هزار ریال بود که از این مقدار حدود ۴۲۷ هزار ریال هزینه‌های خوراکی و دخانیات و ۳۳۵ هزار ریال غیرخوراکی بود. در همین سال هزینه یک خانوار شهری ۱۳۱۵ ریال بسود که از آن ۵۴۷ هزار ریال هزینه خوراکی و دخانیات و ۷۶۸ ریال غیرخوراکی بود.

جدول آماری تعداد روزنامه‌ها و نشریات

ردیف	نام و نام مخدومی	نام روزنامه	تیراژ	مجموع	مراکز	مخالف	متحد
۱	علم البرهان	فردوسی	۳۲۸	۲۲۵	۸	۵	
۲	سراسر علمی	دانشگاری	۲۱۲	۲۱۲	۱۲	۱۲	
۳	مخبر علمی	پست و تلگراف و پست	۲۱۲	۲۱۰	۱۵	۷	
۴	سوره روشنی	پرهیز و پند	۳۳۹	۱۹۲	۳۱	۱۶	
۵	مخبر سلامت علمی	مخبر سلامت	۲۲۱	۱۸۴	۲۲	۳۳	
۶	مخبر علمی	فرهنگ و آموزش علمی	۲۲۱	۱۷۲	۵۳	۱۲	
۷	مخبر علمی	فصلنامه علمی	۲۲۵	۱۷۵	۱۶	۲۲	
۸	مخبر علمی	فرهنگ و آموزش علمی	۲۲۷	۱۷۵	۵۷	۱۵	
۹	مخبر علمی	روزنامه علمی	۲۲۷	۱۶۴	۵۳	۱۶	
۱۰	علم سلامت	خت	۲۲۷	۱۴۲	۳۳	۱۲	
۱۱	مخبر سلامت علمی	اطلاعات	۲۲۳	۱۵۲	۲۶	۱۳	
۱۲	مخبر سلامت علمی	مخبر	۲۲۳	۱۴۸	۲۹	۳۷	
۱۳	علم سلامت علمی	صنایع	۲۲۲	۱۳۳	۸۷	۲۱	
۱۴	ایران علمی	گروه آموزشی	۲۲۲	۱۳۳	۵۷	۱۲	
۱۵	علم سلامت علمی	گفتار	۲۲۵	۱۳۳	۱۰۶	۶	
۱۶	بازار علمی	صنایع علمی	۲۲۲	۱۲۸	۹۵	۱۷	
۱۷	علم سلامت علمی	مسکن و شهرسازی	۲۲۵	۱۱۷	۴۶	۲۲	
۱۸	علم سلامت علمی	بهداشت، تربیت و آموزش پزشکی	۲۲۳	۱۱۲	۹۸	۲۱	
۱۹	مخبر سلامت علمی	سپه	۲۲۳	۱۱۰	۴۶	۲۷	
۲۰	علم سلامت علمی	گفتار علمی	۲۲۶	۱۰۸	۱۰۸	۳۰	
۲۱	مخبر سلامت علمی	آموزش و روش	۲۲۱	۹۸	۱۱۹	۱۵	

المپیک ۸۸ و افلاس جمهوری اسلامی

بسیستم شهریور ماه پس از دو دوره غیبت ورزش- کاران ایرانی در المپیکهای مسکو ولوس آنجلس، کاروان ورزشی جمهوری اسلامی برای شرکت در بیستم دوره بازیهای المپیک ۱۹۸۸ سئول تازم کره جنوبی شده. از همان ۵۷ نفری که تازم سئول شدند فقط ۲۷ نفر را ورزشکاران تشکیل میدادند. از ۳۰ نفر باقیمانده ه نیز ۱۳ نفر مری و سرپرست هستند. ۱۷ نفر دیگر کسانی هستند که طبق نوشته "کیهان هوایی ۳۰ شهریور در کنگره‌ها شرکت خواهند کرد و یا کارهای اداری و فنی را رویار خواهند نمود. درین هیات اعزامی چه ورزشکار و چه مری و غیره خبری از حضور زنان نیست. جمهوری اسلامی پس از تلاشهای فراوان و مضحک برای رعایت حجاب اسلامی زنان در ورزش - که احتیاج به تحرك و چالاکي و لباسهای ویژه دارد - ناگام مانده و بکلی نصف جامعه را از شرکت در میادین ورزشی محروم نموده است. مخالفت رژیم ارتجاعی و پوسیده جمهوری اسلامی با زنان تا آنجاست که در رژه روز افتتاح بازیهای المپیک در مقلد چشمان همه دنیا بزکلی هیاتهای ورزشی سایر کشورها که توسط دختران کرمانی هدایت میشدند، تیم ایران توسط یک مرد کرمانی هدایت میشد تا بدینوسیله ارزشهای معنوی و ارتجاعی اسلام از اینکه مردان دنبال زنان راه بیفتند، به خطر نیفتند!  
رژیم جمهوری اسلامی همچون سایر حوزیهای زندگی جامعه "ما حوزه ورزش را هم به فلاکت و افلاس کشانده است. صدها هزار جوان و نوجوان ایرانی بجای آموزش، سلامت، شادابی و زیبایی تن و روان در میادین ورزشی، چه دختر و چه پسر، تازم جیبهای کشتار جنگی فقها شده‌اند.  
وقتی خمینی جلاد پیشوای تبهکاران اسلامی جنگ را نعمت خاندادی دانسته و ورزش را در شترسواری و تیروکمان خلاصه کرد، حاصلی غیر از این برای سلامت بقیه در صفحه ۱۲



## سینما در چنبره نبوغ فقها

این نیز بسنده نمی‌کند و اصلاً بلائی برسر فیلم می‌آورد که حتی آنرا از محتوی اصلیش بدور میکند. برای نمونه بنابه اقرار خودش "فیلم شمشیرنامتوس را در نظر بگیرید. من ترجمه اصلی فیلم را می‌آورم با دوبله‌اش مقایسه کنید ببینید دیالوگ این فیلم چی هست و در دوبله چی در آمده. من مقداری از این فیلم را جمع و جور کردم. هم مسیحیت را نفی کرده بود و هم بت پرستی را و درکل یک فیلم ضد مذهبی بود. من اینها را حذف کردم و جلوی زنگ بازی و فرصت طلایی فیلساز را گرفتم. بیش از پنج برده از فیلم را حذف کردم."

واقعا باید به این نبوغ اسلامی تبریک گفت. باوجود آقای قنبری دیگر معلوم نیست چرا جمهوری اسلامی درسری بنام فیلم و بازیگر و سینما در ایران را تحمل کند. آقای قنبری و دستیاران با وجود این تفاسیل براحتمی میتوانند فیلمهای خارجی را برداشته، هر گونه دیالوگی (بنابه اقرار خودشان در فیلم شمشیرنامتوس) که خویش و مراجع تقلیدشان صلاح میدانند بریزان بازیگر بیچاره از دنیا بی خبر بگذارند. اذتوقت راحت میشود دنیا را هم مسلمان کرد! از نبوغ اسلامی است که هنر اسلامی تراوش میکند! و بیچاره هنری که در چنبر این نبوغ گرفتار آید.

همانطور که طی چند شماره اخیر "پیام‌گارگر" آوردنیم، هنر وضعیت بفرنجی را در جمهوری اسلامی متحمل است. فقها هم میخواهند آنرا نیسز به زیر مهیز خویش نراورند و هم از آن وحشت دارند. آنجاکه به زعم خویش رنگ اسلام را بر تن هنر کردند، چیزی جز ریشخند و تمسخر از جانب خلق نصیشان نشده است. در بین رشتههای هنری، فیلم در اینمورد جایگاه ویژه‌ای ندارد. جمهوری اسلامی نه تنها فیلسازان ایرانی و فیلم ایرانی را میخواهد در چهاردیواری تنگ خویش اسیر سازد، بلکه به زور قیچی توضیح المسائل و رسالهها به جان فیلمهای خارجی می‌افند تا به زعم خویش آنها را "اسلامی" گرداند. برای روشنتر شدن مسئله نگاهی کوتاه به صاحبه محمود قنبری ازیسینه چاکان رژیم در عرصه فیلم به نقل از مجله فیلم شماره بیست و شش می‌اندازیم:

"من وجدانا در مورد فیلمهایی که بنوعی دست خوش تغییر شده ناراحت نیستم. چون به تصدیق خیلی‌ها بهتر شده. یکسری مسائلی در بعضی از فیلمهای خارجی هست؛ که شما اگر عینا فیلم را دوبله کنید، در شورا رد میشود. مثلا من چندی پیش فیلمی را به نام مردم در باتلاق دوبله کردم که زیربنای

مارکسیستی داشت. چنین فیلمی را نمیشود مستقیما دوبله کرد و به ارشاد برد. من سعی کردم زهر این فیلم را چه از نظر تصه و چه تصویر بگیرم ولی بعضی از فیلمها را نمیشود گارش کرد. من در مورد بعضی از فیلمهای تاریخی، حداکثر سعی میکنم با تحقیق، تحریفهای فیلساز را درآورم. الان فیلمی داریم به نام مختار سردار سپاه ارمنستان و ماجرای اولین قتل عام ارمنه توسط عثمانیان است. فیلم را روسها ساختند. ما طی مطالعاتی متوجه شدیم که اینها تاریخ را به کلی تحریف کردهاند. من تاریخ ارمنستان را مطالعه کردم و با بسیاری از کسانی که در این تاریخ مطالعه داشتند صحبت کردم و همه را روی کاغذ آوردم. سازمان فیلم را از نو بهم ریختم. قیچی کردم. گفتارش را براساس کتاب تاریخ ارمنستان نوشتم. مونتاژ کردم و فیلمی شد که بر اساس تحقیق شکل گرفت. وقتی ارمنه ایران دراستودیو فیلم را دیدند آنرا تحسین کردند. از این تحریفها در فیلمهای خارجی زیاد است."

خلاصه اینکه آقای قنبری بعنوان فیلساز، مورخ، سناریست، دوبلور، نقاد، سانسورچی و... وارد عمل می‌شود و بر سر فیلم آن می‌آورد که خواندید و تازه به

## جمهوری اسلامی حکومت دزدان

"گاردگان ایشان (وزیر کشور) در استانها بنزین را غیرقانونی می‌فروشند، آهن دهن دهن میکنند... آهن به نورچشمی‌های خود برخلاف مقررات دادند" و یا بسه "عنوان نمونه مدیرکل آموزش و پرورش استان بزد را میتوان نام برد که... خلافتکاریهایش به دادگاه کشیده و به دوسال زندان محکوم شدند" (بیت اله جعفری کیهان ۲۱ شهریور)

توسط وزارت صنایع "اجازه توزیع دومیلیون سف لائی وارداتی که با ارز دولتی وارد شده و بوسیله شرکت ایران در سراز در بازار آزاد به قیمت آزاد هر ورق تسا ۱۴۰۰ تومان فروخته شد"، "اجازه تشکیل کمیته توزیع نخ و سواستفادهای چند صد میلیونی... و یا اینکه "فروش ارز ریالی به شرکتهای تجاری در سال ۶۵ و ۶۴ توسط مدیر عامل محترم (وزارت صنایع) گزارش بازرسان سازمان صنایع ملی از سواستفاده کلان مالی مدیران زده بالای وزارتخانه در سال ۶۲ و ۶۶" و "سواستفاده - های کلان مالی در شرکت پارس الکتریک که پروندههای هنوز بطرح است" (از حرفهای هادی نقاری - کیهان ۲۱ شهریور)

است" (هاشم حجازی کیهان ۲۱ شهریور)

"متلا بانام آقای جلالی، بخشدار "سیه چشمه" بروفیل و تیر آهن "سیه چشمه" را به شرکتهای خصوصی فروختناست" و یا "عدای تحت نظارت استاندار حدود صدتن تیر آهن را از نوب آهن اصفهان به ارومیه آورده و در چهار روستا در زیر زمین مخفی گرداند" تا روز مناسب به فروش برسانند (هاشم حجازی کیهان ۲۱ شهریور)

همانطور که ملاحظه میشود، دزدی در جمهوری اسلامی تنها شامل بخشدار و فرماندار و مدیرعامل و... میشود. وزرای "دولت مستضعفین" و "دولت پابرهنگها" همگی به این امر شریفا مشغولند و آنطور که در بالا نیز بدان اشاره نمودیم شغل واقعییشان در پی پست وزارت بعنوان یک حمل مستتر است و تازه آمار و ارقام و موارد وزارت سپاه و جنگ در این بخش آورده نشده است. دو وزارتخانه‌ای که جنگ واقعبرای دست اندر کاران آنها "نعمت" بود.

فقها و سردمداران رژیم در طول هشت سال جنگ همیشه از آن بعنوان یک "نعمت و برکت" نام می‌بردند، خمینی بارها در سخنرانیهایش از جنگ بعنوان یک "موهبت" نام می‌برد و میگفت که از جنگ "موهبت" زیادی عایدشان شده است.

باقبول آتش بی از طرف ایران، مردم هر روز شاهد رو شدن "موهبت"ی هستند که سران رژیم از آن بهره‌مند میشوند. اوج نمایش این "نعمت" و "برکت" در جریان رای اعتماد به کابینه موسوی برملا گشت. امری که به هیچ وجه برای مردم پوشیده نبود. دزدی، فحشا، اختلاس و... همه و همه شغلهایی بوده و هستند که سران رژیم در ورای شغل رسمییشان بدان مشغولند. نگاهی کوتاه به آنچه که خود افشا گرداند، نشانی است کوچک در این کارزار:

"مدیر کل غله استانهای همنان و باختران و تعدادی از کارکنان اداره غله استان همنان به اتهام اختلاس در صدهاتن آرد و گندم دستگیر شدند"، همین گزارش حاکیست که "تعدادی از مدیران و متصدیان کارخانجات آردسازی همنان نیز جزو دستگیر شدگان میباشند" (کیهان ۲۹ خرداد ۶۷)

"هیات مدیره قرض الحسنه ولی عصر بهمهراه فریدون ناکری مدیرعامل صندوق به اتهام سواستفاده و حیف و میل به دادگاه فراخوانده شدند" (کیهان ۱۸ خرداد ۶۷)

"مدیرعامل و اعضا هیئت مدیره و انباردار کارخانه روغن کشی شهید باهنر بندرترکمن بعلت خرید غیرقانونی سویا و فروش چهل تن روغن نباتی در خارج از شبکه توزیع به انضصال دائم از خدمات دولتی و پرداخت ۶۴۲ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شد" (کیهان ۷ خرداد ۶۷)

"مدیر کل صید صنعتی شیلات کشور به اتهام گرفتن رشوه ۹۰۰ هزار دلاری دستگیر شد" (کیهان ۲ خرداد ۶۷)

آنطور که ملاحظه میکنید این دزدبیا فقط متعلق به خردامه سال ۶۷ میباشد و تازه دزدی - هائی را شامل میشود که رژیم رضایت به اعلام آن در

جراید داده است. برای اینکه در خواننده شك ایجاد نگردد که شاید صرفا خردامه، فاندزدی سران بوده، نمونه های دیگری می‌آوریم:

"مدیرعامل شرکت سایپا بخاطر سواستفادههای کلان مالی در ارتباط با فروش اتومبیل رنو به پرداخت یک میلیارد و دوست میلیون ریال جریمه نقدی ۷۰۰۰۰۰۰۰۰ شلاق، ۸ سال حبس تادیبی و انضصال دائم از خدمات دولتی محکوم شد" (کیهان ۸ شهریور ۶۷)

"مدیرعامل و چند تن از مسئولین شرکت آلومینیوم اراک و دو تن از پیمانکاران ساختمانی این شرکت به اتهام سواستفاده مالی کلان بازداشت شدند" (کیهان ۹ شهریور ۶۷)

"شبکه بزرگ سواستفاده از نام یک ارگان نظامی که با تئانی تعدادی از پرسنل این ارگان اقدام بهخروج لوازم بدکی در حد وسیع از گمرک مهرآباد و فروش آنها در بازار آزاد می نمود کشف و سواستفادکنندگان دستگیر شدند" (کیهان ۱۰ شهریور ۶۷)

همانطور که ملاحظه کردید، تازه این "نعمت" آن یک قطره از "دریای نعمت" را شامل میشود که اجازه انعکاس بیرونی یافتند. قطرات دیگری از این "دریای نعمت" را میتوان از لابلای حرفهای نمایندگان مجلس در جریان رای اعتماد بدولت موسوی یعنی "دولت خدمتگزار" دید:

"من به اتهامات مختلفی کمدرباره سواستفاده، اختلاس، دزدی و غیره به این وزارتخانه (وزارت صنایع سنگین) نسبت داده شده نمی خواهم بپردازم، داستان شرکت "سایپا" را همه میدانند و تکرار آن مشکلی را حل نمی‌کند" (رجائی خراسانی کیهان ۲۱ شهریور ۶۷)

"این حمدرشوخوااری و دزدی و اختلاس و کارهائی که شایسته شئون جمهوری اسلامی نیست، از آن سازمان (وزارت دارائی و سازمان گمرک کشور) نباید گزارش شود؟ من خودم موردی سراغ داشتم که در گمرک کرمان زیر پوشش پروانههای صادراتی دهها صدها برابر پسته این کشور به طور ناشروع صادر میشد" (رجائی خراسانی - کیهان ۲۱ شهریور)

## مصاحبه با نرگس وفادار

نویسنده و تهیه کننده برنامه‌های تلویزیونی کودکان

## کودکان، فراموش شدگان در غربت

انساندوستی و همکاری را در بچه‌ها بارور میکند فراموش شدن، از جَم چك برگ خزون، قایم باشك (قایم موشك)، اتل متل، باقالی به چند من، و ۰۰۰ خبری نیست. تابحال علیرغم اینهمه ادعا، حتی بهترین شکل دمکراتیک نتوانسته يك گلوب بازی، يك گروه کر، يك گروه رقص فولکلوریک، يك کلاس تاتر و موسیقی برای بچه‌ها سازمان دهد و سازمان های سیاسی نیز بدتر، کوئی کودکان و نوجوانان در زمره مردم نیستند! من خود کار سازمانی با هیچ سازمان سیاسی نمی‌کنم اما برای آرزوهای شریف و انسانی آنها ارج قائم با این وجود فکر میکنم سخت به مساله کودکان و نوجوانان بی-توجهانند و این برای فردائی که راهی ایران خواهیم شد و اینان آینده سازان هستند، فاجعه خواهد بود.

خلاصه کنم، به مسائل کودکان باید بطور جدی برخورد شود، بچه‌ها در غربت فراموش شده‌اند، برای تربیت و زندگی آنها باید وقت گذاشت و برنامه داشت، آنها متعلق به ایرانند و بیش از هر چیز می‌باید از چشمه فرهنگ جامع‌مان سیراب شوند. هیچ توجیهی، حتی فعالیتهای سیاسی برای بی توجهی به کودکان قابل قبول نیست، به اعتقاد من استفاده از جنبه‌های مثبت فرهنگ و امکانات غرب ضروری و پرارزش است اما آنچه که دیده میشوید، خلاف این است.

س: چه راه‌حل‌های عملی برای کاهش و حل این مشکلات ارائه میدهید؟

ج: بنظر من جدا از توجه پدران و مادران به مسائل کودکان همراه با بردباری و صبر لازم از خانه و خانواده، تشکل‌های پناهندگی و دموکراتیک، سازمانهای سیاسی و هنرمندان انقلابی نیز میتوانند در رابطه با پایه ریزی يك نظام تربیتی درست، نقش ایفا کنند. تشکلهای دمکراتیک و پناهندگی می‌باید بخشی از کارهای فرهنگی خود را به کودکان اختصاص دهند، برنامه‌های آموزشی و هنری با استفاده از جنبه‌های مثبت فرهنگ جامع‌مان، ناب کردن کلاس‌های خواندن و نوشتن فارسی و ۰۰۰ میتوانند کمک کننده باشند. اگر چه درگیریهای فرقائی و ایدئولوژیک مانع بزرگی در رابطه با فعالیت مثر ثمر این نوع تشکلهاست. اما هنوز هم میتوان امیدوار بود. پدران و مادران نیز می‌باید در رابطه با این تشکلهای، از جمله آنچه که به کودکان برمیگردد، فعال باشند. من فکر میکنم انتشار يك نشریه سرتاسری برای بچه‌ها نقش پرارزشی در رابطه با کاهش مسائل آنان خواهد داشت.

سازمانهای سیاسی نیز به مساله باید توجه کنند. پرداختن به مسائل کودکان و آموزش سیاسی آنها

بهترین امکانات را برای آنها مهیا کرده‌ایم، بیاری وسائل بازی کامپیوتری و نیز برنامه‌های تلویزیونی و ویدئویی، تلاش در آرام کردن و بی آزار کردن آنها داریم، بی آنکه اندیشه کنیم که آنان را بدست خودمان به کجاسوق میدهیم. دنیای کودکانه زیبای آنها را که سرشار از تخیل کودکانه است، با دادن کامپیوترهای بزرگ و کوچک و انواع وسائل بازی و سرگرمی که با او بیگانند و با اهدافی تخریبی و انحرافی ساخته شده‌اند، خراب می‌کنیم. دقت کنید! حتی بچه‌های خانواده‌های سیاسی مسخ کامپیوتر، وسائل جنگی‌ها و رامبو و راکتی شده‌اند! من نقش و اهمیت کامپیوتر و ارزش تفریحی و سرگرمکننده برخی از این وسائل را انکار نمی‌کنم، اما می‌باید بویژه در مورد کودکان با این امر دقیق برخورد کرد و اهداف نهفته در پشت طرحهای مختلف برای اسباب - بازیها و سرگرمی‌های مختلف کودکان را شناخت.

من تعجب میکنم! مگر همه ما به نظام تربیتی امپریالیستی، روند غیرانسانی و ناسالم تبلیغ خشونت، جنگ طلبی، میل کشتن انسانها، فردگرایی و ماشینی‌شدن آنها انتقاد نداریم؟ چگونه است که در عالیترین شکل که می‌خواهیم سرگرمی و بازی - که نقش مهمی در پایه‌های تربیتی بچه دارند - برای آنها تدارک ببینیم از همان وسائل سود میجوئیم؟ من اعتقاد دارم که در مورد بچه‌هایمان در غربت در واقع اسیر همان نهضت فرهنگی - ایدئولوژیک ریگانیسم شده‌ایم. من با خانواده‌های زیادی از پناهندگان ارتباط دارم، بجزاوت میتوانم بگویم که ایدئولوژی میلیتاریستی "رامبو و راکتی" در زندگی کودکانشان حاکم است و خانه و کاشانه آنها من را به یاد این آمار می‌اندازد که "در امریکا کمتر خانهای را که متعلق به اقشار متوسط و مرفه است است میتوان یافت که از بازیهای ویدئویی خانگی و بازی های کامپیوتری، که جنگ مضمون اصلی این بازیهاست، خبری نباشد". آیا چنین وضعی رنگ خطر نیست و نمی‌باید به آن توجه داشت؟

این مقدمات برای این بود که بگویم، باید بیشتر بفکر فرزندان خود باشیم. امروز در بهترین حالت خوراک تربیتی بچه‌های ما "اصد آرتیست میشود"، "اصد" به مدرسه میرود، "اصد و اژدها" و ۰۰۰ است. امروز بفکر آرام کردن کودکانمان هستیم چرا که مساله آنها را چندان جدی نمیگیریم. خیلی‌ها که به آنها محبت داشته باشیم با خودمان به جشنهای سیاسی و کسرت فلان آقا یا خانم میبریمشان که جزاوت ندارند، چنین جاهائی جیک بزنند!

بفکر برنامه‌ریزی برای زندگی آنها نیستیم، در خانه بازیهای اصیل و سنتی ایرانی که روحیه تعاون و

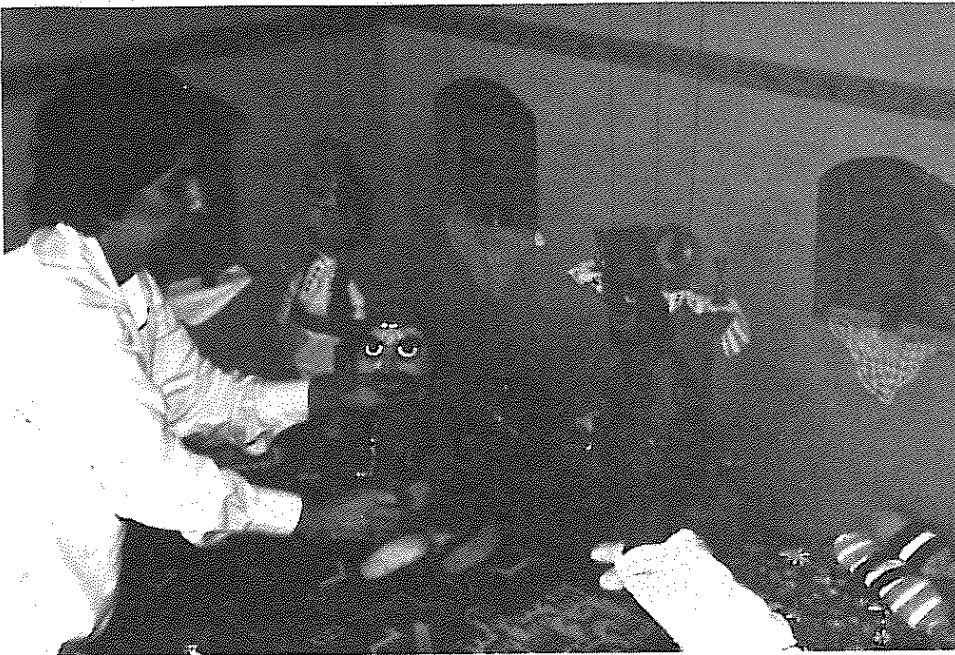
نرگس وفادار، تهیه کننده، کارگردان و نویسنده برنامه‌های تلویزیونی کودکان و تئاترهای عروسکی، اکنون یکی از پرکارترین هنرمندان ایرانی در غربت است. او به همراه همسرش تاکنون بیش از ده نمایش عروسکی و تئاتر در شهرهای آلمان غربی به روی صحنه آورده‌است. با توجه به اهمیت کار فرهنگی برای کودکان ایرانی در مهاجرت و با در نظر گرفتن اینکه نرگس وفادار از جمله هنرمندان نادری است که در این عرصه در خارج از کشور فعالیت میکند، نقش و وزن کارهای او جایگاه شایسته و قابل توجهی در میان مجموعه فعالیتهای هنری ایرانیان در خارج از کشور پیدا میکند. با سپاس از نرگس وفادار که دعوت ما را به گفتگو پذیرفت، پای صحبت هایش می‌نشینیم.

س: مختصری در باره خودتان، کارهایتان و اینکه چگونه فعالیتهای تان را آغاز کردید، برایمان بگوئید.

ج: قبل از هرچیز از اینکه چنین فرصت و موقعیتی برای مصاحبه به من دادید سپاسگزارم. اگر بمن اجازه دهید. من در آغاز نمی‌خواهم از خودم و کارهایم بگویم، البته من مختصری درباره خودم و کارهایم خواهم گفت، اما مایلم ابتدا درباره کودکان در غربت صحبت کنم، از کسانی که ۱۵ سال از بهترین سالهای عمر را برای آنها کار کردنام، کاری که امروز در من حس افتخار و آرامش بوجود آورده است.

به اعتقاد من کار کردن برای بچه‌ها، ازشریف‌ترین و انسانی‌ترین کارهاست، بویژه در شرایطی که از يك طرف هجوم نموده‌های منحن و منفی فرهنگ غرب مورد تهاجمشان قرار داده و ازسوی دیگر کم حوصلگی و بی توجهی مادران ویدرانی که درگیر مسائل ریز و درشت در غربت هستند و آوارگی نیز امانشان را بریده. این کم‌حوصلگی و بی توجهی سبب شده که مادران وپدران نیز ناآگاهانه و بخيال اینکه بهترین امکانات را برای فرزندانش تدارک دیدنند، به تهاجم نموده‌های منحن و منفی تمدن غرب به کودکانشان یاری میرسانند؟ من قبل از هر چیز مایلم به این مساله اشارتای داشته باشم.

بیبینید! توجه به ویژگی و نیازهای کودک، لیاقتی و تواناییهای حسی و حرکتی، ذهنی و عاطفیش، قبل از همه از وظائف مهم پدران و مادران است، اما برآستی چند درصد از پدران و مادران در فضای بی برنامه‌های آموزشیها و بیحوصلگی‌های موجود بفلانکور-های گفته شده توجه دارند و برای برخورد با مسائل کودکانشان وقت ضرور صرف میکنند؟ با خیال اینکه



عروسکها بوجود می‌آورد. "مرشد" که ضرب می‌نوازد ز حرفهای عروسکها را که اغلب اوقات ناروشن و غیرواضح است تکرار میکند و در حقیقت رابط بین عروسکها و تماشاچیان است و بالاخره "کمانچین" کافناش می‌تواند بیاری چند نفر در خیمه به اجرا درآید و کمانچین و مرشد از دایره نمایش حذف شوند. نمایش عروسکی انواع گوناگون دارد. برای مثال نمایش عروسکی "پهلوان کچل" است که عروسکها از نوع دستکشی هستند.

نوع دیگر که حدود ۲۰۰ سال سابقه دارد نمایش عروسکی "شاه سلیم بازی" است. در این نمایش عروسکها نخ و خیلی ابتدائی هستند و حرکتشان نیز زیاد پیچیده نیست ولی بسیار پرتحرک هستند. در این نمایش نقش اصلی به عهده "امبارک" است. مبارک نوکر زیرک و فهیمو در عین حال خوش صحبت، ساده دل و مهربان است. او در قالب متکلم و طنز شاصلیم یا ارباب را مورد تحقیر و تسخر قرار میدهد و...

س: بعنوان آخرین سوال، بنظر شما در شرایط کنونی هنرمندان در تبعید چه وظیفتهای برعهده دارند و چه میتوانند بکنند؟

ج: این امر برای من بسیار تاثیرنگیز است که هنرمندان، علیرغم دید انسانی و بازشان از آزادی و دموکراسی، هنوز نتوانستند دور هم جمع بشوند و یک شکل دموکراتیک هنرمندان شکل بدهند. نقدان چنین تشکیلی در شرایطی که هنر و ادبیات نقش پرارزش و تریبخشی در مبارزات اجتماعی بازی میکنند، در واقع لطمه به مبارزات مردم میماند و پناهندگان و مهاجرین است. برای من بسیار تعجب آور است که ما خیل عظیم هنرمندان در تبعید، که همگی از آزادی دم می‌زنیم، هنوز نتوانستیم خودمان بدور هم گرد بیاییم و حتی یک نشریه سرتاسری را سازمان بدهیم. بنابراین من فکر میکنم قبل از هرچیز باید بفرک شکل دادن یک شکل سرتاسری هنرمندان بود و شاید مقدمات انتشار یک نشریه سرتاسری، براساتی که جای "کانون نویسندگان و هنرمندان" فعال و پرچوش در خارج از کشور و تبعید خالیست. من فکر میکنم میباید به شکلدهی و تقویت این کانون همت گمارد. من خوشبین هستم که اگر بدون ابتلا به فرقه‌گرایی مبتذل و خودمحوری آستین‌ها را بالا بزنیم، میشود چنین کانونی را شکل داد و

به زبان ساده خودشان، کمک خواهی از روانشناسان و جامعه‌شناسان برای شناخت و حل مشکلات کودکان و نوجوانان می‌باید مورد توجه سازمانهای سیاسی باشد. این سازمانها لاف می‌توانند با تاکید بر اهمیت مسئله و آموزش پدران و مادران کار ساز باشند.

**هنرمندان انقلابی** نیز می‌باید از کپتوچی خود به مسائل کودکان بگهند! امروز هنر وسیله‌ایست که میتواند در کاهش و حل معضلات و مشکلاتی که طرح شد، نقش پراهمیتی ایفا کند. هنرمندان با نگاه تیز خود میتوانند دردها و مشکلات را ببینند، به دیگران نشان دهند و راحل ارائه کنند.

س: خوب، اگر موافق باشید حالا کمی از خودتان و کارهایتان برایشان بگوئید.

ج: من در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه تهران در رشته روانشناسی و علوم تربیتی فارغ التحصیل شدم، از همان هنگام بعنوان نویسنده، برنامه‌های کودکان با تلویزیون همکاری میکردم. در سال ۱۳۵۲ مدرسه عالی سینما و تلویزیون یک دوره تهیه‌کنندگی را گذراندم و بعنوان تهیه‌کننده برنامه کودکان رسا شروع به کار کردم. نخستین برنامه‌ای که تهیه کردم "بچه‌ها، بچه‌ها" بود که مخصوص کودکان قبل از دبستان ساختم. هدف این برنامه آموزش الفبا، اعداد و مفاهیم ساده به کودکان بود، مفاهیمی مثل همکاری، کمک، دوستی، اتحاد و غیره، در واقع این برنامه، کودک را برای رفتن به مدرسه آماده میکرد. سه کتاب برای بچه‌ها نوشتم که هر سه سانسور شدند، مضمون قصه‌ها درباره اتحاد و وحدت بود. برای مثال یکی از قصه‌ها "سرگذشت پری کوچک غمگینی بود که بدنبال شادی میگشت، با زمین، با درخت، با پروانه و گل و کوه و دشت صحبت میکرد و... بالاخره با جوی و رودخانه‌ها همسفر شد و به دریا رسید، پری کوچک راز شادی را در میان آنهمه قطره‌های بهم پیوسته آب یافت"، بله، این قصه هم سانسور شد! "کلاغ‌ها" نوشته نادر ابراهیمی را برای بچه‌ها کار کردم، اما اجازه نمایش نگرفت.

"ترب" اثر بیژن مفید، چند قصه از کلیله و دمنه و یک تاتر برای کودکان معلول کار کردم که خود کودکان معلول با صدای چرخدار بازی میکردند. برخی از این تاترها در واقع "تاتر ماسک" بود و یا ماسک بازی میشد، از جمله "کلاغ‌ها"، "یکسری برنامه‌ساز" "معرفی کتاب" برای نوجوانان و برنامه موسیقی برای کودکان تهیه کردم که در اوایل انقلاب از سری ۱۳ تایی آنها فقط دو برنامه پخش شد و بقیه سانسور شدند. "بازیهای سنتی ایران" از دیگر کارهایم بود که سری ۱۳ تایی آن در آرشیو تلویزیون ماند و اجازه پخش نگرفت. با استفاده از ضرب المثل‌های ایرانی یکسری برنامه‌های عروسکی تهیه کردم، برنامه "پدربزرگ وفستلی"، و "نخودی" که چهارسال و هرهفته ۳ برنامه از آن پخش میشد از دیگر کارهایم بود. آخرین برنامه‌ای که در ایران تهیه کردم "سفرهای مانا" بود.

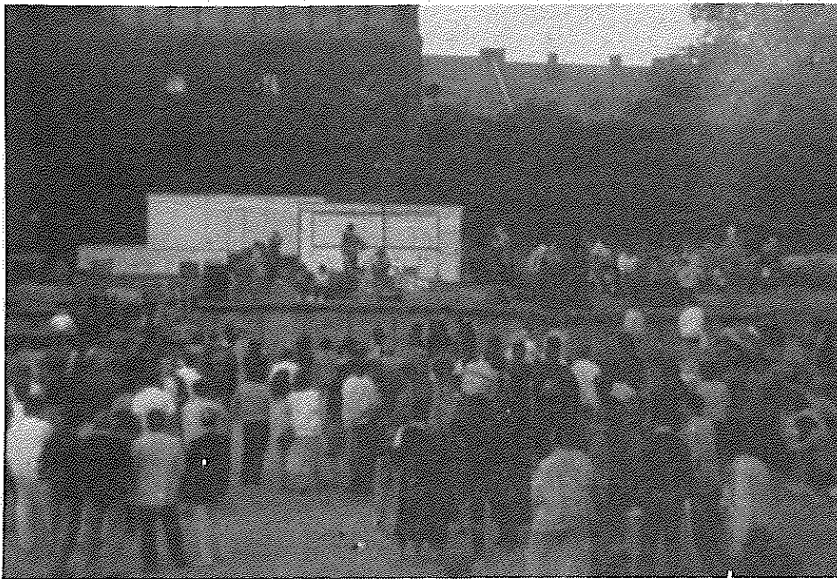
در غربت جای برنامه برای بچه‌ها را، بگوندای دردناک خالی دیدم، از همان اوان ورودم به آلمان غربی به یاری شوهرم دست بکار شدیم. چندین نمایش "خیمه شب بازی" و یک نمایش "موش و گربه" را برای بچه‌های پناهندگان و نیز کودکان آلمانی اجرا کردم، که موفق بودند. در همین هنگام نیز نمایشی از "برشت" بنام "آنکه گفت آری و آنکه گفت نه" را بروی صحنه بردم اما علیرغم موفقیت این نمایشنامه، زود پشیمان شدم و دوباره بسوی کودکان بازگشتم! عید نوروز

کسرتی بزرگ برای کودکان و نوجوانان ترتیب دادم که از لحاظ محتوی فرهنگی کاری بسیار پرارزش و موفق بود، در این برنامه یکی از شاگردان "باغچیمان" که نامی آشنا در فرهنگ ما دارد، با صدای پرورشی یافته و خوش‌آوازیهای کودکانه خواند. یک گروه کر عروسکی نیز که سرگوش‌ها اجرا کنندگان آن بودند، نیز برنامه خوبی ارائه داد! تمامی عروسکها و دکورها را، همچون اکثر مواقع شوهرم ساخته بود! این برنامه که بنظرخودم در حد یک کار حرفتای خوب بود بیاری بسیاری از همکاران خوب، بدون کترین چشمداشتی تهیه شد. در حال حاضر علاوه تدریس زبان فارسی برای کودکان در تشکلهای نمکراتیک، قصه‌ای از "سوتکیف" نویسنده خوب بچه‌ها برای کار به زبان فارسی و آلمانی در دسترس دارم، سناریوی این اجرا را تهیه کردم، عروسکها و دکور ساخته شده، کار ترجمه به آلمانی نیز تمام شده و در مرحله ضبط صدا و تمرین هستیم تا برای اجرا آماده شود. برای نوروز آینده نیز یک طرح برگزاری کسرت عروسکی همراه با ماسک برای کودکان در نظر دارم که مقداری از گزایش نیز انجام شده است.

س: میخواهیم کمی درباره "خیمه شب بازی" برایشان بگوئید.

ج: بدون شك حتی اگر قرار باشد به اختصار در مورد نمایش عروسکی و خیمه شب بازی بگویم، نیاز به صفحات متعدد نشریه شما دارم، اما تلاش میکنم چند جملتهای در این باره بگویم. خیمه شب بازی یکی از قدیمی‌ترین نمایشهای ایرانی است که بنظر من از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است. اولاً، مضمون نمایشهای خیمه شب بازی که معمولاً با تحقیر و تسخر ارباب توسط نوکر همراه است، از دید من مضمون باارزش و خوبی است، درتانی بُرد تودنای این نمایش نیز وسیع است، اگر بتوان مضامین مترقی‌تر را در چنین شکلی بیان کرد، با بُرد تودنای این نمایش، میتوان وسیله تبلیغی پرارزشی را تصاحب کرد.

این نمایش عروسکی چون در شب و درخیمه انجام میگردد، نام "خیمه شب بازی" بخود گرفته است. اشخاص اصلی این نمایش عروسکی ۳ نفر هستند. "استاد" که عروسکها را تکان میدهد و با "صغیر یا سوتک" که در دهان میگذارد بجای عروسکها حرف میزند و با زیر و نازک کردن صدا، صداهای مناسب با



## اعتراضات گسترده مهاجرین ایرانی علیه استرداد پناهندگان توسط دولت ترکیه!

بدنبال انعکاس خبر تحویل عدای از پناهندگان ایرانی از ترکیه به پاسداران جمهوری اسلامی و تیرباران شدن تعدادی از آنها، موجی از اعتراض به این اقدامات ضدانسانی و احساس همدردی نسبت به قربانیان و آوارگان ایرانی در میان مهاجرین ایرانی برانگیخته شد. گزارشات رسیده از شهرهای مختلف اروپایی نشان میدهد سازمانهای انقلابی و دمکرات و کانونهای دفاع از حقوق پناهندگی با تظاهرات و اجتماع در مقابل سفارتخانهها و کنسولگری های دولتست ترکیه خواهان قطع ادامه این سیاست شده و به افشای همکاریهای میان رژیم ترکیه با جمهوری اسلامی درباره تحویل آوارگان پرداختند.

### بحث ها پیرامون آینده پناهندگان

#### فعال است!

از مدتی پیش با انبوه شدن جمعیت پناهنده در سوئد، بویژه با بوجود آمدن وضعیت جدید در جنگ بین ایران و عراق و چشم‌انداز صلح همچنانکه در بین مقامات دولت و احزاب در قدرت در میان تشکلهای دمکراتیک و دفاعی پناهندگان و احزاب مترقی و انساندوست نیز بحث حول آینده پناهندگان و مسأله‌ی پناهندگی در

### — پناهندگان ایرانی و خارجی کارگران ارزان قیمت!

پروژه‌های دولت سویسالی دمکرات سوئد بی نقص است. کودکان و زنان و آوارگانی را که قادر به کار نیستند و یا طبق قوانین به حد سنی متعارف برای کار در کارخانه‌ها نرسیدند، اخراج میکند. بقیه را که قادر به کارند و طبق قوانین حقوق بشمرود ادعائی دولتهای اروپایی کوانسیون ژنو اخراجشان درسر خواهد داشت، بعنوان کارگران ارزان قیمت نگاه خواهند داشت. وزیر دارائی سوئد در مصاحبه‌ای که اخیراً از تلویزیون این کشور پخش گردید در مقابل این سوال که چرا با وارد کردن کارگران یوگسلاوی مخالفت میکند، جواب داد که با وجود هزاران پناهنده، خارجی در سوئد دلیلی برای صرف مخارج زیاد و خروج ارز از کشور وجود ندارد. ما باید و بهتر است از نیروی کار پناهندگان بجای کارگران خارجی استفاده کنیم.

### تشکیل کمیته پناهندگان (بخش ایرانی)

#### در استکهلم

بدنبال اقدامات کمیته پناهندگان سوئد در فعال نمودن پناهندگان از ملیتهای مختلف در دفاع از حقوق خویش، اخیراً در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۸ پناهندگان ایرانی مقیم استکهلم با همیاری و کمک کمیته اصلی موفق شدند بخش ایرانی این کمیته را تشکیل دهند. درجریان تشکیل این کمیته نمایندگان پناهندگان ایرانی از شهرهای مختلف سوئد شرکت داشتند و از طریق انتشار یک بیانیه اعلام موجودیت بخش ایرانی را اعلام کردند.

سوئد فعال شده است. بدین مناسبت کمیته حمایت از پناهندگان سوئد روز ۸ سپتامبر در میدان "کوتاپلاتسن" شهر گوتنبرگ یک تظاهرات ایستاده برگزار کرد و به دعوت آن عدای از نمایندگان کمیته‌های پناهندگی و احزاب سیاسی درباره مسأله پناهندگی و سیاستهای حزب و تشکل خود در اینمورد سخنرانی کردند. گروههایی از پناهندگان ملیتهای گوناگون از جمله ایرانیان و شیلیایی‌ها در این تظاهرات فعال بودند. یک گروه هنری از امریکای لاتین با اجرای برنامه موسیقی و رقص به نمایش فرهنگ و سنتهای امریکای لاتین پرداخت.

### هامبورگ آلمان فدرال

#### تظاهرات ایستاده علیه استرداد ایرانیان

متعاقب پخش اخبار مربوط به اخراج عدای از ایرانیان از دو کشور ترکیه و قبرس، جلسهای با حضور عدای از فعالین سیاسی مقیم این شهر اعم از وابستگان سازمانها و منفردین در محل دانشگاه شهرهامبورگ تشکیل گردید.

حاصل نشست این جلسه انتخاب کمیته‌ای جهت جمع آوری خبر، و در صورت صحت مسئله سازماندهی یک آکسیون اعتراضی بود.

کمیته مذکور چندین بار با فراخواندن مجمع عمومی بحث و تبادل نظر بالاخره شکل آکسیون ایستاده را بعنوان شکل مناسب اعتراضی تشخیص داد.

این آکسیون روز ۱۲/۹/۸۸ را که صا دف است با روز کودتای نظامی در ترکیه مقابل کنسولگری این کشور صورت گرفت.

شرکت کنندگان درآکسیون با محکوم کردن دولت فاشیستی ترکیه و شعارهای علیه آن رژیم و رژیم جمهوری اسلامی از ساعت ۱۲ ظهر تا ساعت ۱۳/۲۰ بعد از ظهر اعتراضی خود را ابراز نمودند. یک هیئت سه نفره به نمایندگی ازطرف تظاهرکنندگان قطعنامه صادره را تحویل مقامات مسئول کنسولگری دادند.

مقامات کنسولگری منکر بروز چنین حوادثی بودند و می گفتند ایرانیان اگرهم استرداد شوند حتماً آتھائی هستند که به امر قاچاق مواد مخدر مشغول بودند.

### سوسیال دمکراسی سوئد

#### پناهندگان ایرانی را برمیگرداند

صاحبان صنایع نظامی، جنگ افزارهای مرگ زا، گازهای سمی و خفه کننده که ۹ سال تمام در هیات دولتهای سوسیال دمکرات! سوسیال مسیحی، مسیحیان آزاد و جمهوریخواهان در کشورهای اروپایی و امریکا میلیاردها سلاح را برای داغ کردن تنورهای جنگ ارتجاعی بپایان و عراق تحویل داده و هزاران هزار کودک و جوان ایرانی را آوارهای کشورهای دیگر گردانند، اکنون به بیهانه آتش بس ولی در واقع برای عقد قراردادهای جدید میلیاردری و استراتژیک برای باصلاح بازسازی خرابیهای جنگ در ایران و عراق و جلب نظر رژیم اسلامی نشار برپناهندگان را افزایش دادند هنوز انعکاس انفجار غرش توپها و تانکها و موشکها در گوش کودکان و آوارگان ایرانی ناپدید نشده که دولتهای به اصطلاح دنیای آزاد پروژه‌های خود را برای برگرداندن کودکان بی پناه آغاز گردانند. بین اینها پیشتر از همه دولت سوسیال دمکرات سوئد است که اخیراً اعلام کرده تصمیم دارد جوانان ایرانی را که سن آنها کمتر از ۱۸ سال است و از دولت سوئد تقاضای پناهندگی گردانند بدلیل اعلام آتش بس از جانب ایران و عراق به ایران بازگرداند. آنها همچنین اظهار داشتند، کسانیکه پناهندگی آنها پذیرفته شده است ولی بعلت فرار ازجنگ و موشک بارانها به سوئد فرار گردانند، در مرحله بعدی به ایران باز خواهند گرداند. همین سیاست را دولت سوسیالیست مسیحی و لیبرال آلمان غربی مدتی است کدر مورد نامیلهادلیل بوجود آمدن آتش بس درسریلانکا به اجرا گذاشت است. اگرچه تصمیم اخیر دولت سوئد موجی ازاعتراض را در محافل اجتماعی سوئد بوجود آورد و از جمله "انجمن حمایت از کودکان" به این تصمیم اعتراضی کرد. اماخطر اخراج مستجمعی کودکان و پناهندگان ایرانی و تحویل آنها به رژیم آدمخوار اسلامی مثل شمیر داموکلس بالای سرپناهندگان آویزان است.

## گزارش عفوبین الملل

ادامه از صفحه ۱۶

اخیرا در ایران مستقر شدن را مورد حمله قرار دهد." اخبار رسیده حکایت از این دارد که بازجویی از ایرانیان در شهرهای کوچک و شهرهای مرزی عموماً به همراه تهدید و حتی شکنجه می‌باشد و توسط پلیس ترکیه اعمال می‌شود. شکایات بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه ایرانیان متقاضی پناهندگی کنگ خوردند، از دادن غذا به آنان خودداری شده است و در معرفی شکنجه‌های از قبیل شوک الکتریکی و آویزان ماندن قرار گرفتند.

از سال ۱۹۸۶ تاکنون بسیاری از کشورهای اروپایی، ایرانیان را که از طریق ترکیه به سایر کشورهای اروپایی رسیده‌اند را مجدداً به ترکیه بازگردانده‌اند. اینان اکثر کسانی بودند که ابتداءً هیئت‌های برای دولت ترکیه فاش نشده بود.

نقشی که سایر دول می‌توانند در جهت حمایت از ایرانیان پناهنده و یا متقاضی پناهندگی در ترکیه بعهده بگیرند یکی پذیرش این پناهندگان برای اقامت در کشورهای خود است و دیگری پناهندگی دادن به ایرانیان است که توسط UNHCR در ترکیه ثبت نام نشده‌اند اما می‌توانند از ترکیه خود را بدین کشورها برسانند. هیچ کشوری نباید متقاضیان پناهندگی ایرانی را تحت هیچ عنوانی به ترکیه یعنی به جایی بفرستد که سلامت آنان مورد اطمینان قرار نمی‌گیرد.

سپس گزارش به ذکر موارد مشخصی از بازگرداندن ایرانیان می‌پردازد و چنین ادامه می‌دهد:

عفو بین الملل معتقد است که اکثریت افرادی که به زور از ترکیه به ایران بازگردانیده می‌شوند، گرفتار زندان، شکنجه و اعدام می‌گردند و هیچ وجه آمار این وقایع منتشر نمی‌شود.

اسامی کسانی که ذکرشان در ذیل می‌آید در اختیار مقامات ترکیه قرار گرفته بوده است تا اقدامات مقتضی جهت جلوگیری از بازگرداندن آنان به ایران به عمل آید. بمنظور جلوگیری از خطرات احتمالی برای این افراد اعضا خانوادشان توسط رژیم ایران فقط با حرف اول اسمشان از آنان یاد می‌کند.

در ۱۹ آوریل ۱۹۸۷، ف.ک.ف. - ف.ک. - ۱۰۱ و س.س، براساس گزارشات رسیده از شهر دوبایزید یعنی محلی که در بازداشت ترکیه بسر می‌برند بگردد. های مرزی ایران در بازگان تحویل داده شدند. هنگامی که عفو بین الملل از دولت ترکیه تقاضا نمود در مورد این گزارش توضیح دهد، ترکیه منکر چنین حادثه‌ای شد.

در ماه مه ۱۹۸۷، م.م. به زور از ترکیه بنیوان بازگردانده شد. دولت ترکیه به تحقیقی که در مورد این شخص انجام شده بود جواب می‌دهد و می‌گوید اجازه خواهد داد این فرد با UNHCR تماس بگیرد. هنگامی که عفو بین الملل از مقامات ترکیه توضیح می‌خواهد که چرا علیرغم پذیرش این فرد توسط UNHCR بعنوان پناهنده و کسب اجازه ورود به فرانسه برای این فرد رابه ایران بازگردانید، ترکیه هیچ پاسخی نمی‌دهد.

۳۰ ژوئن ۱۹۸۷، م.س. از سوی UNHCR به عنوان پناهنده پذیرفته شده بوده است اما وی را از دوبایزید به ایران عودت می‌دهند. وی اجازه اقامت در ترکیه را دریافت کرده و عفو بین الملل یک نسخه از این سند را دارد که کویای داشتن اعتبار تا ماه مارچ ۱۹۸۸ بوده است.

۱۶ ژوئن ۱۹۸۷، ف.ک. و ه.ل. در اگری

به گردهای مرزی ایران تحویل داده شدند. گزارشات تأیید شده حاکیست که پس از عودت به ایران در زندان اوین تهران زندانی شده و ه.ل. اعدام گردیده است. در زمانی که ایندو به ایران عودت داده می‌شوند مقامات ترکیه شواهد مستدلی در اختیار داشتند که نشان میداده این دو نفر به دلیل فعالیت سیاسی شان در ایران در معرض خطر جانی هستند. ف.ک. و ه.ل. بدون داشتن مدارک قانونی وارد ترکیه شده بودند و پس از رساندن خود به آنکارا از UNHCR تقاضای پناهندگی نموده بودند. این دو نفر از نواحی مرزی ایران یعنی محلی که ابتدا مورد بازجویی پلیس ترکیه قرار گرفته بودند به ایران بازگردانیده نشدند.

م.م. در نوامبر ۱۹۸۷ یکی از چند ایرانی جوانی بوده که بزور و بدون دادن فرصت برای تقاضای پناهندگی سیاسی از ترکیه به ایران بازگردانده شد. مقامات ترکیه او را در محلی از مرز ایران و ترکیه رها نمودند اما وی توانست مجدداً وارد ترکیه شود. متشایبا در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۷، م.س. را از شهر مرزی اولک سکوا بدون دادن اجازه تقاضای پناهندگی به ایران بازگردانده‌اند.

سه نفر که توسط UNHCR عراق بعنوان پناهنده پذیرفته شده بودند در حالی که توسط پلیس ترکیه اسکورت می‌شدند تهدید می‌شوند که به ایران عودت داده خواهند شد. این عده در ژانویه ۱۹۸۸ به شهر مرزی ه.ل. رسیدند. اسامی آنان ه.ل.، م.ف.، ج. و ا. ر. ک. بوده است.

۱۰۱. که توسط UNHCR عراق بعنوان پناهنده پذیرفته شده بوده است پس از اینکه ۱۵ ماه در ترکیه بسر می‌برد، در منزلش در آنکارا توسط پلیس ترکیه دستگیر می‌شود. پس از دستگیری به شهر وان در مرز ایران و ترکیه آورده می‌شود. پس از آن وی را در مرز ایران و ترکیه رها می‌سازند. این واقعه در اواخر ژانویه ۱۹۸۸ اتفاق می‌افتد.

دکتر ج.ا. که بعنوان پزشک در ارتش ایران خدمت می‌کرده و بعد در آنکارا تقاضای پناهندگی سیاسی می‌نماید در اول فوریه ۱۹۸۸ توسط اداره امورخارجیان پلیس ترکیه به مصاحبه دعوت می‌شود. او را از محل مصاحبه به مرز ایران و ترکیه برده و تحویل مقامات ایرانی می‌دهند. بخاطر امکان ضرب‌بندبری این فرد از سوی رژیم ایران و شرایط اضطراری که وی داشته دولت کانادا موافقت کرده است که وی را بعنوان مهاجر بپذیرد. عفو بین الملل از چهار مورد دیگر ایرانیانی که در خدمت ارتش بودند و بشکل مظنون در ترکیه ناپدید شدند اطلاع دارد و تصور می‌رود که این عده نیز قربانی "بازگشت" به ایران شده باشند.

## مصاحبه با

تقویت کرد و شاید "چشم‌انداز" و کسانی که با آن کار میکنند نیز بتوانند نشریه سرتاسری چنین کانونی و هسته موسس چنین کانونی شوند. به اعتقاد من، سازمانهای سیاسی نیز، بی آنکه تلاش بکنند مگر خود را براین حرکتیای دموکراتیک بزنند، میباید با دیدی گاملا دموکراتیک این تشکله و هنرمندان در تبعید را تقویت کنند، تا هنر و ادبیات متعهد و مردمی بهتر بتواند رسالت خود را در این برهه زمانی انجام دهند. من فکر میکنم در شرایط کنونی افراد و انفعال شایسته هیچ هنرمند مردمی و مسئولی نیست.

## سوئد - استنکلم

اعترافی علیه استرداد پناهندگان

روز جمعه دوم سپتامبر بیش از صد و پنجاه ایرانی پناهنده مقیم سوئد جلوی سفارت ترکیه در استنکلم گرد آمدند تا اعترافی خود را نسبت به سیاستهای ضدانسانی دولت ترکیه در قبال پناهندگان و آوارگان ایرانی در آن کشور اعلام دارند. پناهندگان در این تظاهرات ایستاده که از ساعت يك تا ۲/۵ بعد از ظهر بطول انجامید ضمن دادن شعارهایی در حکومت دولت ترکیه خواستار جلوگیری از استرداد ایرانیان مهاجر در ترکیه به دولت ایران شدند. آنان معاملات اخیر دولت ترکیه را بر سر استرداد مردمان ایرانی محکوم نموده و از تمامی مردم آزادیخواه و بشر دوست و سازمانهای بین المللی خواستند تا از این اقدام ضدانسانی دولت ترکیه جلوگیری بعمل آورند.

قابل توجه است که هواداران حزب کمونیست کومله بشیوهی فرصت طلبانه در این تظاهرات آرم مخصوص خود را بلند کردند که با اعترافی برگزارکنندگان که تحت هویت پناهندگان سوئد عمل میکردند روبرو شده و مجبور به جمع کردن آرم خود شدند.

## تربش - وین

از طرف تعدادی از گروههای هوادار سازمانهای سیاسی و کانونهای دموکراتیک در شهر وین در تاریخ ۱۹۸۸/۸/۲۵ طی اطلاعیهای از کلیه مهاجرین دعوت شد بمنظور اعترافی علیه سیاستهای ضدپناهندگی دولت ترکیه روز شنبه دهم سپتامبر طی تظاهراتی به طرف سفارت ترکیه حرکت کنند. در پاسخ به این فراخوان عده قابل ملاحظه‌ای از مهاجرین و نیروهای انقلابی در این روز در مقابل سفارت ترکیه به تظاهرات پرداختند. همچنین نیروهای مبتکر اقدام فوق، با ارسال يك تلکس برای ارگنها و سازمانهای حقوق بشر و دمکراسی اوضاع خفیر پناهندگان ایرانی در ترکیه را توضیح داده و از آنان خواستار اقدام عاجل گردیدند.

## ادامه از صفحه ۸ المپیک ۸۸ و ۰۰۰

جسمی و ورزش جوانان کشورمان نمی توان انتظار داشت. جمهوری اسلامی در سازماندهی ورزش و سرمسی و شانسی و زیبایی جوانان ایرانی در آخرین ردیف است. از حق نباید گذشت که او در طی ۱۰ سال حکومت خود تمام مدالهای طلا در سازماندهی کشتار، تبهکاری، جنایت را از آن خود کرده است. در ایران تحت حکومت فقها میدان ورزشی نه برای تفریحات سالم، بلکه همچون کارخانه، مزرعه و محله صحنه نبرد انقلاب و ضدانقلاب حاکم است.

جوانان قهرمان مردم رنج دیده کشورمان، اگرچه از افتخارات ورزشی در رقابت های بین المللی محروم و تحقیر شدند، اما با تبدیل کردن استادبوما و تیمهای ورزشی به محل و محل مبارزه علیه ارتجاع فاشیستی جمهوری اسلامی و بیشترین و بالاترین افتخارات را در تبرید علیه یکی از جنایتکارترین حکومتهای عصر جدید و برای آزادی ورهائی توده‌های مردم نصیب خود کردند.

"اینور پلیس، آتورپلیس، پرسپولیس"، "آزادی (نام جدید تیم پرسپولیس)، نیست، نیست" و "آزادی، استقلال (نام جدید تیم تاج)، پیروزی (نام جدید تیم پرسپولیس)" و "مرگ بر..." شعارهایی است که دهها هزار جوان و ورزش دوست ما در استادبوما تکرار میکنند. برود برای همه مقاومت و ابتکار.



برلین ۲۷ سپتامبر

هائیتی ۲۰ سپتامبر

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول فقر خلقها را سازمان می دهند!

● بدنبال شورش سربازان و افسران جز گارد ریاست جمهوری بر علیه ژنرال نامفی که با پیوستن سایر سربازان و افسران جز ارتش و پلیس بصورت يك کودتای نظامی درآمده و قدرت را از دست طرفداران دوولیه خارج نمود، موج وسیعی از اقدامات خودجوش تودمهای بر علیه طرفداران دوولیه و افراد پلیس مخفی جنایتکار وی بنام "تونتون ماکوته" هائیتی را فراگرفته است. در سراسر این کشور مردم به دستگیری و تنبیه این افراد پرداخته و تصفیه ادارات و ارتش و پلیس به ابتکار سربازان و افسران جز شروع شده است. سربازان و افسران شورشى غیرمعمولی اعتمادی به ژنرال آوریل - که از سوی مطبوعات غربی به دروغ بعنوان رهبر کودتا معرفی شده است - به دلیل عدم آمادگی خود فعلا وی را به این سمت منصوب کرده و در عین حال مشغول پاکسازی ارتش و موسسات دولتی از عناصر باند نامفی و دوولیه هستند. ژنرال آوریل به اعتقاد ناظران سیاسی بدلیل موقعیت متزلزل خود در شرایط کنونی با این اقدامات روی خوش نشان نداده ولی به احتمال زیاد در آینده نرگیریا و اختلافاتش با شورشیان ارتشی بالا خواهد گرفت. فعالین اپوزیسیون دموکرات و چپ ضمن استقبال از شورش ارتشیان، بی اعتمادی خود را به ژنرال آوریل و ضرورت اقدامات قاطع علیه بقایای رژیم قبلی اعلام کردند. قابل ذکر است که در جریان حوادث هائیتی، کلیسای کاتولیک نیاز اعتراضات تودمهای پشتیبانی نموده است.



بدهی ها را لغو کنید!

تشکیل دادند که به بررسی بدهی های سرمایه آور کشورهای مختلف آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا به بانکهای جهانی پرداخت. در این کنفرانس لغو بدون قید و شرط بدهی های این کشورها طلب شده و در مورد کارکرد استعمارگرانه صندوق بین المللی پول افشاکاری صورت گرفت.

در نطق افتتاحیه اجلاس صندوق بین المللی پول صدراعظم آلمان فدرال برای خنثی نمودن تأثیرات افشاکاریهای فوق عوامفریبانه خواستار آن شد که کشورهای ثروتمند غربی به وظیفه خود نسبت به کشورهای فقیر عمل نموده و آنها را کمک کنند. اما دولت وی مخالفت خود را با لغو بدهی ها اعلام داشت و این اقدام را به دلیل اینکه اعتبار مالی کشورهای قروضی را از بین میبرد رد کرده است.

● اجلاس سالانه صندوق بین المللی پول در میان موج اعتراضات و تظاهرات خونی نیروهای چپ و رادیکال آلمان فدرال گشایش یافت. این اعتراضات که از مدت ها قبل آغاز شده است با نزدیک شدن تاریخ شروع اجلاس سالانه ابعاد وسیعتری بخود گرفت و بصورت زنجیرهای از تظاهرات و زامبندان ادامه یافت که طی آن با دخالت پلیس ضدشورش برلین غربی، به زد و خوردهای خیابانی خشن منجر شد.

تاکنون در طی این زدوخوردها تعداد زیادی از معترضین دستگیر شده و شکاری از آنها مجروح شده اند. نیروهای چپ و ترقیخواه آلمان فدرال قبل از برگزاری اجلاس صندوق بین المللی پول اقدام به افشاکاری وسیع بر علیه این نهاد امپریالیستی بانکداران، کمیکی از عوامل اصلی فقر و فلاکت میلیونها نفر از مردم کشورهای جهان سوم است نموده و يك هفته قبل از تاریخ شروع اجلاس کنفرانس را

ترکیه ۲۵ سپتامبر

● بدنبال همپرسی در مورد ایجاد تغییر در قانون اساسی ترکیه در مورد انتخابات محلی، دولت تورگوت اوزال شکست سختی را متحمل شد. وی برخلاف قول خود و علیرغم اینکه تنها ۲۶٪ رای دهندگان در همپرسی موافق تغییر قانون اساسی هستند، حاضر نشد که از نخست وزیری ترکیه کناره برد.

کره جنوبی ۲۴ سپتامبر

● در جریان برگزاری بازیهای المپیک در سئول پایتخت کره جنوبی، درگیریهای پلیس با دانشجویان مخالف دولت، کم و بیش ادامه یافت. در یکی از مهترین زدوخوردها در تاریخ ۲۳ سپتامبر، پلیس اقدام به اشغال دانشگاه سئول و برهم زدن تظاهرات دانشجویانی نمود که خواهان آزادی یکی از رهبران خود بنام چونگ میونگ سو هستند. در ماههای قبل از برگزاری بازیهای المپیک، جنبش اعتراضی دانشجویان که خواستار وحدت دو کره و اخراج نظامیان آمریکایی از این کشور هستند او تا زمانی یافت. و دولت کره در جریان بازیهای المپیک با بکار گرفتن بیش از ۶۰ هزار پلیس و شماربزرگی از نیروهای امنیتی تلاش نمود تا کنترل اوضاع را بدست گرفته و از ادامه اعتراضات جلوگیری کند. اما نامه تظاهرات گسترش یافته و انعکاس وسیعی در سطح کره و سراسر جهان پیدا نمود.

لبنان ۲۲ سپتامبر

● بدنبال عدم توافق گروههای سیاسی و مذهبی لبنان برای انتخاب يك رئیس جمهور جدید، که با رسمیت یافتن اجلاس پارلمان این کشور به علت عدم حضور تعداد کافی نمایندگان علی نمیشود، امین جمایل در آخرین روز ریاست جمهوری خود فرمانده ارتش لبنان را بعنوان نخست وزیر دولت موقت انتخاب نمود. سلیم الحونی نخست وزیر فعلی لبنان حاضر به کنارگیری نشده و هم اکنون در این کشور دو دولت که هیچکدام نیز قدرتی ندارند حکومت میکنند. بر طبق پارای از اخبار آمریکا و سوریه بر سر انتخاب يك رئیس جمهور مطلوب بنام میشل داهر به توافق رسیدند. اما این انتخاب مورد پذیرش مسیحیان مارونی واقع نشده است. همین ناظران امکان تجزیه رسمی لبنان را باتوجه به شدت اختلافات موجود بعنوان يك شق ممکن، محتمل میدانند.





## اعتصاب سراسری پست در انگلستان

اعتصاب سراسری کارگران پست انگلستان برای دو هفته سیستم پستی کشور را بطور کامل فلج کرد. کارگران در تاریخ ۳۱ اوت در اعتراضی به عدم برابری کسک هزینهها به یک اعتصاب یک روزه دست زدند. تعدادی از کارگران علیرغم رهنمود رهبری اتحادیه به اعتصاب خود انا مه داده و بعد از چند روز اعتصاب را به سرتاسر کشور گسترش دادند.

لازم به تذکر است که پست انگلستان کاملاً دولتی است و روزانه تعداد ۵۰ میلیون نامه و بسته‌پستی را نقل و انتقال میدهد. اعتصاب یک‌پارچه کارگران پست سیستم ارتباطاتی کشور را بطور کامل فلج کرد. فشار از پائین کارگران باعث شد که رهبری اتحادیه را ناگزیر از دنباله‌روی بدنه کارگران کند. نهایتاً بعد از دو هفته اعتصاب رهبری اتحادیه با گرفتن قول از دولت که کسک هزینهها را بطور یکسان در سرتاسر کشور پرداخت خواهد کرد به اعتصاب خاتمه داد. علیرغم این برخی از کارگران بخصوص در شهرهای لیورپول، منچستر و اسکاتلند از بازگشت سرکار تا نتیجه نهایی مذاکرات امتناع کردند. این اعتصاب، همانند اعتصاباتی که در یکسال گذشته سیما انگلیس تاج‌زده را به لیزش درآورده نشان جوش از پائین و رادیکالیته شدن بدنه کارگران دارد بطوریکه رهبری اتحادیهها را وادار به اتخاذ مواضع خلاف تمایلات سازشکارانه خود می‌کند.

## احمد شاملو در اروپا

روزهای ۲۰ و ۲۲ سپتامبر شهر برلین غربی شاهد گردهمایی صدها نفر از دوستداران و شیفتگان شعر و ادب پیشرو بود که مشتاقانه در این شهر حضور بهم رسانده بودند تا از نزدیک چهره مجسم شعر امروز کشورمان - شاملو را ببینند. احمد شاملو (الف. پامداد) بزرگ‌مرد جاودانه شعر ایران در این دو روز با شرکت در جلسات شعرخوانی دوستداران خود را سیراب کرد. در شب شعر ۲۰ سپتامبر که حدود هزار نفر در آن شرکت داشتند، شاملو اشعار دوره‌های متفاوت زندگی خود را خواند. که شامل اشعار قدیمی در رثای انقلابیون سالهای ۳۰ و ۵۰، اشعار عاشقانه سالهای ۴۰ تا سرودهای جدید مربوط به سالهای اخیر که دست‌نویس‌های ایدئولوژیک فلسفی وضعیت حاکم بر میهنان است، بود. سراینده "درجدال با خاموشی" اینبار چنین گفت: "ابله - مردا من عدوی تو نیستم انکار توام".

جلسه شعرخوانی ۲۲ سپتامبر برای علاقمندان آلمانی زبان ترتیب یافته بود که اشعار به‌راه ترجمه آلمانی آنها خوانده شد. در پایان شعرخوانی، شاملو به سولات حاضرین در زمینه‌های مختلف اشعار خود پاسخ گفت.

همچنین قرار است در هفته‌های آینده برنامه‌های مشابهی در شهرهای آلمان فدرال به اجرا درآید.

**با کمک‌های مالی خود  
سازمان را در امر مبارزه  
انقلابی یاری رسانید**

آن مردم شیلی اجازه یافتند که دیکتاتور تبهکار را یکبار دیگر بعنوان رئیس جمهور انتخاب کنند. قرار است در ماه اکتبر در شیلی فراندومی از جانب پینوشه برگزار شود که در صورت جواب "آری"، دیکتاتور نظامی یک دوره دیگر بعنوان رئیس جمهور باقی بماند. اپوزیسیون چپ و مترقی شیلی نهضت گسترده‌ای برای جواب "نه" در فراندوم بیا کرده است.



به دیکتاتور پینوشه، نه بگوئید!

## السالوادور ۲۲ سپتامبر

ادعای روستائیان سن سباستیان از سوی منابع حقوق بشر در سان سالوادور مورد تأیید قرار گرفته است. کشتارهای سیستماتیک روستائیان که به هدف ارباب توده های زحمتکش صورت میگردد از جمله اقداماتی است که تاکنون معمولاً بدست جوخه‌های مرگ دست راستی صورت میگرفته و ارتش سالوادور در ظاهر کمتر به اینگونه اقدامات دست می‌زده است.

برطبق گزارش اهالی روستای سن سباستیان یک واحد ویژه ارتشی بنام گردان جیبوا در روستای فوق اقدام به قتل ده نفر از ساکنین روستا که مظنون به طرفداری از جبهه فاراباندومارتی بودند نموده است. مقامات نظامی السالوادور ادعا میکنند که افراد فوق اعضا یک کوماندوی جبهه فاراباندومارتی بودند که در روستای فوق غافلگیر شده و طی زد و خورد به قتل رسیدند.

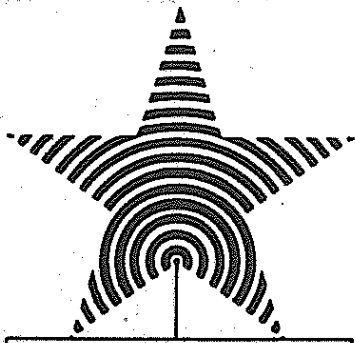
## هامبورگ آلمان فدرال

## نمایشگاه عکس و نقاشی

در روز ۸۸/۹/۲۰ "کانسون هنرمندان و دوستداران هنر" اقدام به برگزاری نمایشگاه عکس و نقاشی از آقای داود روستا و نمایشگاه خط از آقای رحیمی کرد. این نمایشگاه بمدت یک هفته ادامه داشت. در شب افتتاح برنامه‌های هنری از قبیل رقص محلی، شعرخوانی، بانتمیم نیز به اجرا درآمد.

## سوتد شب شعر

روز یکشنبه ۴ سپتامبر، شب شعری با شرکت چند تن از سراینندگان تبعیدی در یکی از کب‌های پناهندگی شیر مالمو برگزار گردید. در این شب تعدادی از هموطنان ما از شهرهای لوند و مالمو و کمپ موسیان به اشعاری که مدتها در تجلیل از شهدا، همبستگی با زندانیان سیاسی و پیرامون اوضاع کشور بود، گوش فرا دادند. کسانیک سرودهایشان را قرائت کردند، عبارت بودند از: حسن غلامعلی‌پور - ساحل نشین، احمد مومنی - سینا، امیر و جوانی با نام "جویا".



صدای کارگر

راه‌پیمایی سازمان کارگران انقلابی ایران (به رهبری کارگر)

- ★ برنا مه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش می‌گردد.
- ★ این برنا مه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می‌گردد.
- ★ جمعه‌ها برنا مه ویژه پخش می‌شود
- ★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعت پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتمندان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!

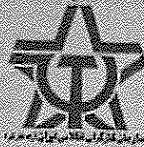
آدرس پیام‌کارگر

POSTFACH 650226 1-BERLIN 65

ALIZADI B.P. 195 75564 PARIS -CEDEX 12 FRANCE

لیست کمکهای مالی

ف - ر	۶۰	مارک	ظفر	۱۰۰
پیرزاد	۵۰	"	آ	۵۰
س - س	۲۰۰	"	ج	۱۰۰
سپیده	۵۰	"	نوری	۱۰
ن - ه	۱۰۰	"		



علیه حمام خون در زندانهای ایران بیاخیزیم!

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بدینال شکست در جنگ ارتجاعی ۸ ساله از تری خویتر انقلابی توده‌های مردم سرکوب فاشیستی خود را شدت بخشیده است. یورش به سنگر بی دفاع زندانیان سیاسی ویرانی حمام خون در این زندانها حلقهٔ مدم این سیاست ددمنشانه مرعوب ساختن توده‌هاست.

با آثار موج جدید اعتراضات دسته جمعی زندانیان سیاسی و خانواده‌های رنج‌دیده آنان به اعتراضات اعتراضی غیرانقلابی دست زده‌اند. اعتصاب غذای جورانه زندانیان سیاسی زندان اوین مدت ۲ هفته در برآمد ماه و تخمین برشکوه خانواده‌های زندانیان سیاسی در حیطه دانشگاه تهران در اواخر برآمد ماه در اعتراض به قطع ملاقات زندانیان سیاسی گوشه‌ای از این مبارزات دلیرانه است. ما انجمن علیرغم مبارزات خجالتناک و خشکی ناپذیر خانواده‌های زندانیان سیاسی و مقاومت فرزندان قهرمان آنان، کشتار مستحتمی زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد و در محتضای اخیر به این تازه‌ای رسیده است. پناهه گزارسانی که در دست دارسم تاکنون یک هزار تن در جریان این یورش متول وار جلدانان فقط به زندان ها قربانی شده‌اند. اقدام ۱۲ تن فریبده اول سپهر ماه در زندان اوین، تصفیه خونین در زندان "فخر" اهواز که در اواخر برآمد آغاز شد و تاکنون به اقدام ۲۶ تن از فرزندان دلاهر خلق و انتقال ۳۰۰ تن از زندانیان، با دلائل مشکوک به اصفهان منجر شده است. اقدام ۲۶ نفر در نابل و ۹ نفر در گناباد، تجدید باج‌بوسی و شکنجه زندانیان سیاسی در زندان غافل آباد شیراز و سپس تجدید محاکمه کلیه آنان، تنها بیانگر گوشه‌ای از جنایات تازه رژیم در زندانهاست که اخبار آن متنازی به خارج نیز کرده است. این اخبار آشکارا نشان میدهند که رژیم باسوء استفاده از افت فشار بین المللی بدینال بدیشتر آتش بی و حالت سر و انتظار بوقت ناشی از توقف ناگهانی جنگ بر جان مردم، سیاست سرچشمه کشتار وسیع و دسته جمعی زندانیان سیاسی را با شدت هرچه نامتبر ادامه میدهد.

کارگران، زحمتکشان و آزادگان ایران!

برای دفاع از زندانیان سیاسی، برای مقابله با کشتارهای دسته جمعی در زندانهای ایران بیاخیزید. هر لحظه سکوت و بی تلاوتی در شمال جنایات رژیم در زندانها، عوانت جریان ناپذیری بدینال خواهد داشت. بدون دفاع از رژیمتگر آزادی، کشور ما روی آزادی بخود نخواهد دید. از هر طریق ممکن برای نجات جان زندانیان سیاسی متحد شوید! جنایات رژیم را در زندانها افشا کنید! اخبار مقاومت زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان را هر چه وسیع تر پخش کنید! از حرکات اعتراضی آنان از هر طریقی که بتوانید پشتیبانی کنید!

در لحظات حساسی که در کشوری وحشیانه و گم‌شده در زندانهای ایران جاده مکه، سازمان ما، از همه احزاب، سازمانها و تشکلهای انقلابی، آزادیخواه و انسان دوست ایرانی و غیرایرانی تقاضا می‌گردد تا نسبت باقی است برای مقابله با این کشتار وحشیانه با تمام نیرو تلاش کنند. فریاد اعتراض خود را علیه حمام خون در زندانهای ایران هرچه رساتر سازند، ما به سیم خود از هرگونه اقدام مشترک در این راه استقبال می‌کنیم.

سرتیگن باد جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم!

دفتر سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر)  
۱۰ مهر ۱۳۶۷

گزارش عفوبین الملل درباره پناهندگان ایرانی در ترکیه

ترکیه کشوری ناامن برای

مناقضیان پناهندگی ایرانی

در ترکیه بسر میبرند فقط بخش کوچکی متقاضی پناهندگی سیاسی میباشند. تخمین های ارائه شده به عفوبین - الملل حاکی است که در دو سال اخیر بین صدها و هزارها مورد از چنین برگرداندهائی در مورد ایرانیان در ترکیه اتفاق افتاده است.

همکاریای بین مرزی بین دولتهای ایران و ترکیه به این فکر دامن میزند که احیاناً دولت ترکیه مخالفین سیاسی ایران را بدست مقامات ایرانی تحویل میدهد و این عده طبیعتاً با خطر شکنجه و اعدام روبرو خواهند شد. در فوریه ۱۹۸۸ آژانس خبرگزاری رویتر گزارش داد که: "وزیر امور خارجه ایران علی اکبر ولایتی در هفته گذشته از آنکارا خواست که فعالین سیاسی مخالف ایران را که بالغ بر صدها هزار ایرانی میشوند و از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بدینسو به ترکیه مهاجرت کرده‌اند را درهم بشکند. ۰۰۰ مقامات رسمی معتقدند که دولت ایران در مقابل، فعالیت چریکهای کرد ترکیه را که برای خودمختاری می‌جنگد و با آنکارا در تنازع بسر میبرند و بقیه در صفحه ۱۳

ترکیه کشوری ناامن برای مناقضیان پناهندگی ایرانی

"عفوبین الملل" گزارشی در مورد بازگرداندن ایرانیان از ترکیه به ایران تهیه کرده است که ما خلاصه‌ای از آنرا که در ماه ژوئیه ۸۸ منتشر گردیده در اینجا درج میکنیم. صدها ایرانی از حوالی مرزهای ایران و ترکیه به ایران برگردانده شده‌اند. به این عده اجازه تقاضای پناهندگی به دفتر عالی امور پناهندگان سازمان ملل در ترکیه (UNHCR) و یا تقاضای پناهندگی به مقامات مسئول دولت ترکیه داده نشده است. در برخی از موارد حتی ایرانیانی که توسط UNHCR بعنوان پناهنده شناخته شده‌اند به زور به ایران عودت داده شده‌اند. از ماه نوامبر ۱۹۸۶ تاکنون حداقل ۴ ایرانی پناهنده از میان عدمای که به زور به ایران برگردانده شده‌اند اعلام شده و بقیه شکنجه و زندانی گردیده‌اند. از بین ۶۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ ایرانی که